

- 1007 VAZIRI, Mostafa. *Rumi and Shams' silent rebellion: parallels with Vedanta, Buddhism and Shaivism*. New York: Palgrave Macmillan, 2015. 244 pp. "Offers a paradigm shift and fresh interpretation of Rumi's message." *Mevlana Celal 131206 Shams-i Tebrizi 181751*

22 Ekim 2017

MAHİR YASAR
SONRA SELEN DOKÜMAN

VAZIRI, Mostafa. *Rumi and Shams' silent rebellion: Mevlana Celaleddin parallels with Vedanta, Buddhism and Shaivism*. New York: Palgrave Macmillan, 2015. 244 pp. "Offers a paradigm shift and fresh interpretation of Rumi's message." *131256* *21* *Shams-i Tabrizi* *181751*

30 Nisan 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN BOKUMAN

تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ش.

— صد در نثر و صد در بندهش، به کوشش دایار، بمبئی، ۱۹۰۹م.

— فضل الله خان، لغات ترکی به فارسی، کلکته، طبع خانه شیخ هدایت الله، ۱۲۴۰ق/۱۸۲۵م.

— کریمینی، علی بن محمد بن سعید الادیب، تکملة الاصناف، به کوشش علی رواقی و سیده زلیخا عظیمی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵ش.

— مارزلف، اولریش، ۱۳۹۲، «از مکه تا مشهد؛ طومار تصویری از سفر زیارتی شیعی در دوران قاجار»، ترجمه رکسانا زنهاری، نامه بهارستان، دوره ۲، ش ۲، ص ۲۲-۵۵.

— منزوی، علینقی، ۱۳۳۷، فرهنگنامه های عربی به فارسی، تهران، دانشگاه تهران.

— میدانی، ابوالفتح احمد بن محمد، السامی فی الاسامی (چاپ عکسی نسخه ابراهیم پاشا)، با مقدمه سیدجعفر شهیدی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵ش.

— میهنی، محمد بن عبدالخالق، دستور دبیری، تصحیح سیدعلی رضوی بهابادی، یزد، بهاباد، ۱۳۷۵ش.

— نطنزی، حسین بن ابراهیم، المرقاة، تصحیح سیدجعفر سجادی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ش.

— نیشابوری، ابوبکر عتیق، تفسیر سورآبادی (تفسیر التفاسیر)، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، تهران، نشر نو، ۱۳۸۱ش.

آینه میراث، دوره جدید، سال دوازدهم، شماره اول، ۱۳۹۳ تهران، ص ۲۳۱-۲۶۰

Samsi Tebrizi
۱۸۱۷۵۱

کلمات ترکی - مغولی در کلیات شمس

محمود عابدی *

محمد شادروی منش **

بدریه قوامی ***

چکیده

غزلیات مولانا در میان آثار شاعران فارسی، افزون بر جنبه های بسیار دیگر، از لحاظ واژه ها نیز بی همتاست. گستردگی دایره واژه های مولانا به تناسب وسعت مفاهیم و مضامین شعر اوست. ذهن سیال او، هم چنان که غالباً در ابداع و خلق معنی فعال است، در لفظ نیز از تنگنای واژه های رسمی آزاد است و تجارب تازه در موضوع و وزن، خود به خود سخن او را از کلمات و ترکیبات تازه مشحون کرده است.

شماری از کلمات شعر مولانا ترکی - مغولی هستند. از این شمار بعضی همراه میراث زبانی و ادبی اهل خراسان به وی رسیده اند و برخی به سبب حضور در قونیه و صحبت و الفت با ترک زبانان به شعر او راه یافته اند. جست وجو در تعداد و تشخیص و تمییز این دو گروه در حد خود فوایدی دارد که شناسایی نوع گرایش مولانا به زبان ترکی و میزان تأثیر زبان و گفتار بعضی از پیرامونیان در شعر او، از جمله آنهاست. بررسیها نشان می دهد که تاکنون چنان که باید به جمع و توضیح این مجموعه پرداخته نشده است و معنی پیشنهادی

* استاد دانشگاه خوارزمی تهران

** استادیار دانشگاه خوارزمی تهران

*** نویسنده مسئول. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنج

03685



02 Kasım 2018

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

مولوی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، همان مقدمه، ص ۴۴). همه غزلهای دیوان شمس تبریزی به فارسی است و به نسبت حجم دیوان، اشعار عربی و ملمّع در میان آن اندک است (به مولوی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۴۱)؛ ابیاتی چند به ترکی و حتی یونانی هم در دیوان هست (به لوئیس، ص ۳۱۶-۳۱۷؛ نیز به ماهیار نوابی، ص ۶۸۸-۶۸۹ که یک غزل مولانا را که قوافی آن یونانی است، شرح کرده است).

دیوان کبیر از ۲۱ دیوان غزلیات، هر کدام در یک بحر عروضی، و از یک مجموعه رباعیات به وجود آمده است (گولپینارلی، ص ۴۶۰). روش خاندان مولانا غالباً چنان بود که دیوان را به ترتیب اوزان عروضی تدوین می کردند تا هنگام سماع، غزلی را که می خواستند قوالی کنند، از وزنش به آسانی بیابند (مولوی، ۱۳۸۷ ش، همانجا). این ترتیب اصلی در دیوان شمس تبریزی، در تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، که مقبول ترین تصحیح دیوان است، برهم خورده است (درباره این تصحیح به ادامه مقاله).

در قدیم، دیوان کبیر در میان عامه اهل شعر و دوستداران ادب رواج چندانی نداشت؛ به همین علت، فقط چند غزل از دیوان که برخی از آنها از مولانا نیست، اما به نام او مشهور است، شهرت یافته بودند. فقط در خانقاهها و در حلقه صوفیان بود که گروهی در کنار مثنوی، از غزلیات مولوی هم بهره مند می شدند (به مولوی، ۱۳۸۴ ش ۳، مقدمه شفيعی کدکنی، ص بیست و هشت). اما در دوره های اخیر دیوان کبیر شهرت جهانی یافته است.

در دیوان شمس تبریزی تناقض وجود ندارد. مولانا در غزلهای دیوانش، از یک نظام معین فکری و عاطفی سخن می گوید (همو، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، همان مقدمه، ص ۴۷). اشعار دیوان شمس تبریزی حاصل هیجانات و احساسات مولانا است و یکی از موضوعات اصلی آنها، شوق بازگشتن جان عارف به وطن اصلی اوست (همان مقدمه، ص ۶۴-۶۵). در این اشعار، انسان (گاه در جامه شمس تبریزی) فقط به سبب جانب الهی اش ستایش می شود (همان، ص ۶۳). مولانا آگاهانه قصد شاعری نداشته و اشعار دیوان شمس را در حالی می سروده که خود و حتی شعر را فراموش می کرده است (به مولوی، ۱۳۸۴ ش الف، ص ۴۱، ۴۷).

مفاهیمی چون مرگ، زندگی، رستخیز، ازل، ابد و عشق خمیرمایه اشعار غزلیات شمس است و ضمیر ناهوشیار در این اشعار حضور دارد. مولانا بسیاری از معانی تجریدی را در قلمرو عواطف خود، با تصویرهای خاص خودش در شعر ملموس

دیوان شمس تبریزی، یا دیوان کبیر یا کلیات شمس

تبریزی یا غزلیات شمس، یکی از پنج اثر جلال الدین محمد مولوی* (متوفی ۶۷۲) که به جز مثنوی او، دیگر اشعارش را شامل می شود. خاندان مولانا و سلسله مولویه* این کتاب را دیوان کبیر گفته اند (مولوی، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، مقدمه شفيعی کدکنی، ص ۴۳). اما چون مولانا در جای جای اشعار این کتاب از شمس تبریزی، یار و مراد خود، یاد کرده، به غزلیات شمس مشهور است (به صفا، ج ۳، بخش ۱، ص ۴۶۹).

مولانا برخی از اشعار دیوان کبیر را قطعه خوانده (به مولوی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۵۷؛ همو، ۱۳۵۵ ش، ج ۴، ص ۱۰۰) گاه نیز آنها را قصیده نامیده است (به همو، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۱۰۶۴؛ همو، ۱۳۵۵ ش، ج ۱، ص ۳۶). اگرچه در قالب غزل اند. اشعاری در قالب مثنوی هم در میان غزلهای دیوان کبیر دیده می شود (به همو، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۹۷۴؛ همو، ۱۳۵۵ ش، ج ۴، ص ۱۷۶)؛ حتی حکایت هم در قالب غزل در این کتاب آمده است (به همو، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۱۳۷۴-۱۳۷۵؛ همو، ۱۳۵۵ ش، ج ۳، ص ۹۷).

بی گمان مولانا به سبب شور و بی قراری، غزلهایش را به نام شمس تبریزی کرده است؛ به گفته فروزانفر (ص ۱۴۹)، مولانا «پیوسته چشم از سبب دوخته و به مسبب گماشته است». او اشعارش را که نتیجه تلقین شمس و الهام از عشق اوست، به نام شمس کرده است (برای توضیح بیشتر به زرین کوب، ج ۱، ص ۱۰۷). البته تمام غزلیات او به نام شمس نیست. بعضی از آنها به نام صلاح الدین زرکوب* (برای نمونه به مولوی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱، ص ۴۰۸، ۸۳۰، ۸۷۳) یا حسام الدین چلبی* (برای نمونه به همان، ج ۱، ص ۲۶، ۴۲)، از یاران و مریدان مولانا، است؛ اما مجموع این غزلها بیش از صد غزل نیست (همو، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، همان مقدمه، ص ۴۵).

در نسخه های خطی و چاپی دیوان مولانا، ابیاتی از شاعران دیگر از جمله جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی (متوفی ۵۸۸)، انوری (متوفی ۵۸۳)، شمس الدین طیبی (متوفی ۶۲۴) و بیش از ۲۳۰ غزل از شاعرانی دیگر که شمس تخلص می کرده اند، از جمله شمس مغربی و شمس مشرقی، وارد شده است. ۲۷ غزل هم از بهاء الدین سلطان ولد*، فرزند مولانا، در دیوان کبیر آمده است (به فروزانفر، ص ۱۵۰). در عهد صفویه، غزلهایی به مولانا نسبت داده اند که بر تشیع او دلالت کند، حال آنکه او حنفی بوده است (صفا، ج ۳، بخش ۱، ص ۴۶۹). ندرتاً در دیوان شمس تبریزی، کلمه «خاموش» یا «خمش» یا «خمش» و مانند آنها برای تخلص آمده است (به زرین کوب، همانجا؛

1. Lewis

2. Abdülbâki Gölpinarlı

موجب نگرانی و آشفتگی خانواده‌اش شده بود. در پاسخ به پرسش و نگرانی‌های پدر خود را تخم اردکی می‌خواند که در زیر مرغ خانگی گذاشته شده است و استنباط می‌کرد مانند مرغان خانگی از آب و دریا نمی‌هراسد و به دنبال افق‌های روشن و گسترده است. به این ترتیب، تفاهم میان پدر و پسر روز به روز کمتر شد تا جایی که شمس احساس رمیدگی و بیگانگی کرد و حتی پدر خود را دشمن پنداشت و بنابراین، به سفرهای دور و دراز رفت (همو، ص ۴۲-۴۴؛ صاحب‌الزمانی، ص ۷۷-۷۹).

از زمان آغاز و مسیر سفر شمس آگاهی چندانی نداریم؛ اما، با توجه به حکایت‌هایی که افلاکی در کتابش آورده است، جای پای او را در نواحی متعددی چون بغداد، عراق عجم، دمشق، حلب، قیصریه، آق‌سرا، سیواس، ارزروم، و ارزنجان می‌توان یافت. به نوشته سپهسالار، شمس همیشه به صورت ناشناس سفر می‌کرد و به هر شهر که می‌رسید در کاروان‌سرای اقامت می‌کرد. اگر فرض کنیم که شمس زادگاه خویش را، بعد از بیست سالگی، ترک کرده و، بعد از شصت سالگی، برای دیدن مولانا به قونیه رفته باشد، احتمالاً بیشتر این چهل سال را در سیر و سیاحت بوده است. شمس را، به علت کثرت سفرهایش، «اوجان قوش»، به معنی پرنده، می‌نامیدند. شمس در این مسافرت‌ها علوم متداول را در محضر بزرگان زمان آموخت و برای امرار معاش به مشاغل گوناگون، از جمله کارگری، روی آورد (صاحب‌الزمانی، ص ۸۳).

از مقالات چنین برمی‌آید که بیشتر به تدریس مشغول بوده و گاه به کاری می‌پرداخته که در مقابلش مزدی نمی‌گرفته است؛ از آن جمله می‌توان به حرفهٔ مکتب‌داری اشاره کرد. او چهارده ماه در زادگاهش در حجرهٔ مدرسه‌ای مشغول مکتب‌داری بود (همو، ص ۸۸). شمس در بعضی از شهرها، مانند حلب و

محمد بن علی بن ملک‌داد تبریزی، ملقب به «شمس‌الدین»، معروف به «شمس تبریزی»، صوفی مشهور قرن هفتم هجری قمری و مرشد مولانا جلال‌الدین رومی است.

در تبریز متولد شد. تاریخ دقیق ولادت و وفاتش معلوم نیست؛ اما، با توجه به اینکه هنگام ورود به قونیه در ۶۴۲ق شصت ساله بود، تولدش را به سال ۵۸۲ق تخمین زده‌اند (صاحب‌الزمانی، ص ۱۰۷)؛ اما در تاریخ وفاتش اختلاف است و وفاتش را ۶۴۵ق یا بعد از آن ذکر کرده‌اند. محل دقیق مدفن او نامعلوم است؛ برخی معتقدند که قبر وی یا نزد قبر بهاء‌الدین ولد، پدر ملای رومی، یا در مدرسهٔ ملای رومی نزد قبر بدرالدین، بانی مدرسه، قرار دارد؛ اما، با توجه به اسناد و مدارک معتبر تاریخی، به احتمال بسیار در شهرستان خوی واقع در استان آذربایجان غربی مدفون است (نفیسی، ج ۲، ص ۷۳۶؛ اثرآفرینان، ذیل مدخل).

تا پیش از کشف مقالات شمس از زندگی و احوال شخصی او آگاهی مهمی در دست نبود. قدیمی‌ترین آثاری که به زندگی و احوال او اشاره کوتاهی کرده‌اند، ابتدائاً سلطان ولد، پسر مولانا جلال‌الدین مولوی، رسالهٔ فریدون بن احمد سپهسالار و مناقب العارفین شمس‌الدین احمد افلاکی است. بر اساس این منابع، شمس تبریزی در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد. پدرش بزاز و فردی با احساس بود. شمس در مقالات شمس در صدد نقل شرح حال خود نبوده، اما در خلال سخنان دیگرش اطلاعات بسیاری از خود به دست داده است (موحد، ص ۳۹-۴۳).

بنابر شواهد گوناگون و اشارهٔ تذکره‌نویسان، شمس تبریزی کودکی خاص بوده و از همسالان خود کناره می‌گرفته است. تقریباً آن‌ان دلش را خوش نمی‌داشته و پیوسته به درس و وعظ روی می‌آورده است. گوشه‌گیری و زندگانی پرریاضت شمس، در کودکی،

علی اکبر ولایتی ve dğr.; , تقویم تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و

ایران، (جلد دوم) تهران: انتشارات امیرکبیر، ISAM DN. 260935

D2193
Şems-i Tebrîzî
(1817-51)

Studies on Shams-e Tabrizi in the Sub-Continent

Moeen NIZAMI*

Abstract

In the Indian Subcontinent some Sufis who show interest in reading Rumi's Mathnawi also show interest in reading Shams Tabrizi's works. Information and comments about Shams Tabrizi's life can be seen in some Mathnawi commentaries and in the biographies of Rumi written in that region. On the other hand there are some misinformations about Shams in the Indian Subcontinent. For instance it is wrongly believed that there is a tomb of Shams in Multan and that the work titled *Margub al-Qulub* is written by Shams.

Key words: Jalal al-Din Rumi, Shams Tabrizi, Mathnawi

Hint Alt Kıtasında Şems-i Tebrîzî Hakkında Araştırmalar

Özet

Hint Alt Kıtasında Mevlânâ'nın Mesnevî'sini okumaya ilgi gösteren bazı sûfiler Mevlânâ ile birlikte Şems-i Tebrîzî'ye de ilgi duymuşlardır. Bu coğrafyada yazılan bazı Mesnevî şerhlerinde ve Mevlânâ'nın hayatına dâir eserlerde Şems-i Tebrîzî hakkında bilgi ve yorumlara rastlanmaktadır. Öte yandan Hint Alt Kıtasında Şems hakkında bazı yanlış bilgiler de vardır, mesela Multan'da bir kabrin Şems'in kabri olduğuna inanılması, *Mergûbû'l-kulûb* isimli eserin Şems'e âit zannedilmesi gibi.

Anahtar kelimeler: Mevlânâ Celâleddin-i Rûmî, Şems-i Tebrîzî, Mesnevî.

چون حدیثِ روی شمس الدین رسید	شمسِ چارمِ آسمان سر در کشید
واجب آمد چون که آمد نام او	شرح رمزی گفتن از انعام او
از برای حقِ صحبت سال ها	باز گو حالی از آن خوش حال ها
تا زمین و آسمان خندان شود	عقل و روح و دیده صد چندان شود ¹

These lines from Rumi's *Mathnawi* translate:

"When news arrived of the face of Shamsuddin, the sun of the fourth heaven drew in its head (hid itself for shame).

Since his name has come (to my lips) it behoves me to set forth some hint of his bounty.

* Prof., Punjab University, Lahore, Pakistan (moeennizami@yahoo.com)

1 Rumi, *The Mathnavi*, ed. R. A. Nicholson, Leiden, E.J. Brill, 1929, I, 10.

390| HACI BEKTAŞ VELİ: Güneşte Zerresinden, Deryada Katresinden

- HANDEMİR, Giyaseddin ibn Humameddin el-Hüseyni: *Tarih-i habibü's-siyer fi ahbar efrad-i beşer*, c. IV, Tahran, Kitabha-yi Hayyam, 1333.
- HOCA SADEDDİN EFENDİ: *Tacü't-tevarih (yalınlaştıran İsmet Parmaksızoglu)*, V. cilt, İstanbul, Milli Eğitim Basımevi, 1979.
- LÜTFİ PAŞA: *Tevarih-i Al-i Osman (hazırlayan Kayhan Atik)*, Ankara, Başbakanlık Basımevi, 2001.
- MİNORSKY, Vladimir: "Shayk Bali Efendi on the Safavids", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, vol. 20, University of London, 1957, p.437-450.
- MUSALI, Namiq: *Azerbaycan Safeviler Devleti I. Şah İsmail'in hakimiyeti devrinde ("Tarih-i alemara-yi Şah İsmail" eseri esasında)*, Yayınlanmamış Ph.D. Tezi, Bakü, Azerbaycan Milli Bilimler Akademisi Tarih Enstitüsü, 2006.
- OCAK, Ahmet Yaşar: "Babailer isyanından Kızılbaşlığa: Anadolu'da İslam heteredoksisinin doğuş ve gelişim tarihine kısa bir bakış", *Belleten*, sayı 239, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 2000, s.129-159.
- RUMLU, Hasan: *A Chronicle of the Early Safawis being the Ahsanu't-tawarikh of Hasan-i Rumlu (edited by Charles Norman Seddon)*, vol. I (Persian text), Baroda, Oriental Institute, 1931.
- SAVAŞ, Saim: *XVI. Asırda Anadolu'da Alevilik*, Ankara, Vadi Yayınları, 2002.
- SAVORY, Roger: *Iran under the Safavids*, Cambridge University Press, 1980.
- SÜMER, Faruk: *Safevi Devletinin Kuruluşu ve Gelişmesinde Anadolu Türklerinin Rolü (Şah İsmail ile Halefleri ve Anadolu Türkleri)*, Ankara, Türk Tarih Kurumu Basımevi, 1992.
- TEBER, Ömer Faruk: "XVI. yüzyılda Kızılbaşlık farklılaşması," Yayınlanmamış Doktora Tezi, Ankara Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü, 2005.
- TEMİZKAN, Mehmet: "Şah İsmail'in Anadolu oymaklarının desteğini kazanmasının sebepleri üzerine", *Türk Dünyası Dil ve Edebiyyat Dergisi*, sayı 8, Ankara, 1999, s.472-482.
- TÜRKMAN, İskender Beğ: *Tarih-i alemara-yi Abbasi (moallefi mokaddeme ve gerdaverende-yi fihrist İrec Afşar)*, c. I, Tahran, Emir-i Kebir, 1350.
- UZUNÇARŞILI, İsmail Hakkı: *Osmanlı Tarihi*, II. cilt: İstanbul'un Fethinden Kanuni Sultan Süleyman'ın Ölümüne Kadar, Ankara, Türk Tarih Kurumu Basımevi, 1988.
- YAMAN, Ali: *Alevilik ve Kızılbaşlık Tarihi*, İstanbul, Nokta Kitap, 2007.



ŞEMSI TEBRİZİ'NİN GERÇEK KİMLİĞİ, MEVLÂNA'YLA İLİŞKİSİ VE ÖLÜMÜ ÜZERİNE YENİ TEZLER

İsmail Kaygusuz¹

I. Şemseddin Muhammed Tebrizi Kimdir?

Şemseddin Tebrizi (1183/4-1247/8) bir batını İsmailidir. Ancak sıradan bir İsmaili değil; İsmaili İmamları soyundan *Huccet* (zamanın İmamının tanığı, vekili) makamında bulunan bir sufi, mutasavvıf düşünür ve bir *dava* adamıdır. Aynı zamanda onu, yaşamının değişik dönemlerinde yönetici, siyaset adamı, askeri komutan, öğretmen ve diplomat olarak görmekteyiz.

Şimdi, Şemseddin Tebrizi üzerinde yeni görüşlerimizi nasıl kazandığımızı ve çeşitli kaynaklardan edindiğimiz bilgileri karşılaştırıp yorumlayarak, bu sonuçlara nasıl vardığımızı aşağıda kısaca anlatmaya çalışalım:

Bektaşî Menakıbnamesi'lerinde Şemseddin Tebrizi

XV.yüzyıl sonlarında yazılmış olan Hacı Bektaş Veli *Velâyetnamesi* ve *Ahi Evren Menakıbnamesi*'ndeki Şems-i Tebrizi'ye ilişkin bilgilerin çok büyük bölümünün Mevlevî kaynaklardan, değişikliklere uğratılarak alındığı anlaşıyor. *Ahi Evren Menakıbnamesi*'nden alınan Şemsi Tebrizi'ye ilişkin bölümde, Molla Hünkar Mevlâna'nın kendisinden bir Dede istediği ve Hacı Bektaş Veli'nin bu isteğe karşı davranışı şöyle anlatılmakta:

¹ İngiltere-Araştırmacı

MADDE YAYIMLANDIKTAN

108 FOUCHÉCOUR, Charles-Henri de. Le regard de
Shams. *Islam: identité et altérité. Hommage à Guy
Monnot, O.P.* Sous la dir. de Mohammad Ali
Amir-Moezzi. Turnhout: Brepols, 2013,
(Bibliothèque de l'École des Hautes Études, Sciences
Religieuses, 165), pp. 163-167. With reference to
Shams-i Tabrizi.

Shams-i Tabrizi
18175.1

22 Haziran 2015

Danış, sy. 117, 1393 h.s./2014 Islamabad, s. 2-24

Şems-i Tebrizi (1817s)

نفوذ شمس بر مولوی

محمد نور عالم *

چکیده

شکی نیست که زمان حاضر، حکمت و دانش در جهان مقام اوج رسیده اما شاید از این نکته هم کسی انکار نخواهد کرد که در این دنیای مادی ما، مردم در سراسر جهان از نظر سلامتی و تندرستی بشریت نگران هستند. خونریزی و تباهی به جایی رسیده است که زندگی تیره و تار شده! اندیشمندان، مفکران و پژوهشگران در فکر علاج هستند اما چاره ای نمی یابند! مستکبران و حاکمان دنیال قدرت، ثروت و دنیای دنی دیوانه شده، مرگ و آخرت خود را فراموش کرده اند. در این حال اندیشه استعلاج و استعلایی مولوی مفهوم سنتی خدا در حوزه دین دارد. پس از آشنایی با محمد ملک داد معروف به شمس تبریزی تحولی در احوالش پدید آمد و از قلمروی زهد به دنیای عشق پای نهاد و در درجه استنباط و استنتاج رسید. بدینوسیله مولوی تغییر احوال خود توسط شمس تبریزی پدید می آورد و یک جهان درونی پیدا کرد و گفت:

مردم بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
دیده سیر است مرا، جان دلیر است مرا زهره شیر است مرا، زهره تابنده شدم

(دیوان شمس تبریزی: شماره غزل ۳۹۳)

کلید واژه ها: مولوی، شمس تبریزی، ملاقات، عشق، عرفان

* . استاد یار بخش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه چیتاگانگ، بنگلادش nooram76@gmail.com

0322



23 Mayıs 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

DOĞU'DAN BATI'YA DÜŞÜNCENİN SERÜVENİ

ENDÜLÜS VE FELSEFENİN İŞRAKÎLİ (LEŞMESİ)Ğİ

7. Cilt

Türkiye Diyanet Vakfı İslam Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	242386
Tas. No:	109 DDE, A

Proje Editörü

PROF. DR. BAYRAM ALİ ÇETİNKAYA

7. Cilt Editörü

Prof. Dr. Eyüp BEKİRYAZICI



insan

İstanbul 2015

(181751) Şems-i Tebrizî

(131206) MEVLÂNÂ'NIN HAKİKÂTİ TEMAŞÂ ETTİĞİ AYNA:*

MADDE YAYIMLANDIKTAN TEBRİZLİ ŞEMS**
SONRA GELEN DOKÜMAN

21 Temmuz 2016

Bayram Ali Çetinkaya***

* "Bu ayna, Hakk'ın kendisidir. O sanır ki ayna ondan başkasıdır. Bununla beraber aynaya dönenlere ayna da karşılık verir. Aynanın eğiliminden dolayı onun da aynaya karşı eğilimi vardır. O tersine olarak aynayı kırmış olsaydı beni de kırardı. "Ben gönlü kırıkların yanındayım" buyurulmadı mı? Sözü'n kısası, aynanın kendi kendine eğilmesi ve ihtiyat göstermesi imkansızdır. O bir mehenk taşı ve terazi gibidir; eğilimi daima hakka doğrudur." Şems-i Tebrizî, Makâlat (Konuşmalar) I, çev. M. Nuri Gencosman, İstanbul 1974, 34. "Bütün peygamberlerin öğütlerinin özeti uygun şudur: Kendine bir ayna ara! Şimdi cevap vereceksen uygun söyle, yani nasıl ki kanatlı bir kapının karşılıklı her iki kanadı iyi takılınca biri birinden ne eksik ne fazla gelirse sen de öylece soruya uygun karşılık ver." Şems-i Tebrizî, Makâlat (Konuşmalar) I, 59.

"Tanrı Şems'i öyle bir güneş ki ışığı aynaya vurmuş, şuna-bunaysa hareketlerini duvarda gösteriyor ancak." Mevlânâ Celâleddin, Divân-ı Kebîr, haz: Abdülbâki Gölpinarlı, Ankara 2000, I, 264, b. 2486.

"Ey Tebrizli Tanrı Şems'i, tertemiz aynanda Tanrı'dan başkasını görürsem kafirden de beter olayım." Mevlânâ Celâleddin, Divân-ı Kebîr, II, 78, b. 644.

"Ansızın Tebrizli Tanrı Şems'ini gördü mü ayna, hem hah, işte der, hem de yanar-tutuşur." Mevlânâ Celâleddin, Divân-ı Kebîr, II, 200, b. 1626.

"A Tebriz'in yüce padişahı, göster güzelim yüzünü; çünkü aynaya benzeyen canda şekiller gösteren sensin ancak." Mevlânâ Celâleddin, Divân-ı Kebîr, III, 348, b. 3421.

"Tebrizli Tanrı Şems'in düzüp koştugu ayna, nerden paslanır, nasıl cilaya muhtaç olur?" Mevlânâ, Divân-ı Kebîr, VII, 17, b. 225.

"Tanrı ve Din Şems'inin aynasında Tebriz, hem tamamıyla tüm bir şekil kesilmiş, öyle tanınmış, hem anlamlar denizi olmuş-gitmiş." Mevlânâ, Divân-ı Kebîr, VII, 67, b. 910.

** "Mevlânâ'nın Hakikati Temaşa Ettiği Ayna: Tebrizli Şems", Ekev Akademi Dergisi, sayı: 29, Güz 2006, 1-27.

*** Prof. Dr., İstanbul Üniversitesi İlahiyat Fakültesi.

303-336

181751

ŞEMS-i TEBRÎZÎ

1 ELİF ERKAN, Hz. Mevlana'nın eserlerinde Şems-i Tebrizi, Selçuk Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2003

- 184 CHITTICK, William C. The real Shams-i Tabrizi. Beacon of knowledge: essays in honor of Seyyed Hossein Nasr. Ed. Mohammad H. Faghfoory. Louisville: Fons Vitae, 2003, pp.99-109;532-533.

- 216 POURJAVADY, Nasrollah. Stories of Ahmad al-Ghazali 'Playing the witness' in Tabriz (Shams-i Tabriz's interest in shahid-bazi). Reason and inspiration in Islam: theology, philosophy and mysticism in Muslim thought: essays in honour of Hermann Landolt. Ed. Todd Lawson. London: Tauris, 2005, pp.200-220. [Narratives of al-Ghazali's trips to Tabriz by Iranian Sufi Shams al-Din Muhammad Tabrizi.]

Elsin, Prof. Dr. Şükri

"Semsî, hayatı ve şiirleri" Türk Kültürü Derisi, Ankara.

1981/19 sayı 218 ss.18-27

189. MOVAHHED, M. 'A. Mowlânâ va Šams-e Tabrizi dar çe senn va sâli baham rasidand? Yâdgâr-nâme-ye Ḥabib Yaḳmâ'i, I. Afšâr et alii, éd., 1356, pp. 321-327.

Article un peu confus, mais qui se fonde sur ce qu'avait découvert Golpinarli dans un qazal de Mowlavi (Divân-e Kabir, 3, p. 293), que le mystique a compris et réalisé son amour pour Šams à 62 ans. Si sa quête intérieure a duré une quarantaine d'années, comme Mowlavi semble y faire allusion, il devait avoir une vingtaine d'années quand il a rencontré Šams, alors déjà âgé. La date de 642/1244 donnée traditionnellement pour cette rencontre serait donc à remettre en question.

C. F.

مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (۶۰۴-۶۷۲ ق)

(۶۷۲ ق)

۵۵۸-آیات و احادیث در کلیات شمس

تبریزی، گردآوری قادر فاضلی (۱۳۴۱-). قم:

فضیلت علم، چاپ اول/ ۳۰۰۰ نسخه، ۱۱۶ ص.

فارسی، وزیر (شمیز)، بهاد: ۵۰۰۰ ریال.

شایک: ۹۶۴-۹۱۹۹۸-۸-۸

کنگره: PIR5299/F1YA9

کد پارسا: B21897

Sems-i Tabrizi

کلیات دیوان شمس - تأثیرپذیری از

قرآن و حدیث؛ کلیات دیوان شمس - گزیده‌ها؛

اخلاق - قرآن و علوم قرآنی - اوصاف و اسامی - تأثیر

- در ادبیات فارسی (قرآن و علوم قرآنی).

۹ بررسی موارد استفاده مولوی از آیات قرآن و

احادیث در دیوان اشعارش موسوم به کلیات شمس

تبریزی است. نویسنده ابتدا اشعار را با ذکر موضع آنها

در دیوان آورده و سپس آیه قرآن و یا حدیث مورد

نظر را که شعرها برگرفته از آنهاست، به همراه ترجمه

فارسی ارائه می‌کند. کتاب در دو بخش تنظیم گردیده

است. بخش نخست، به بیان آیات قرآنی مورد اشاره

در ۵۵۹ بیت از اشعار کلیات شمس تبریزی اختصاص

دارد و بخش دوم به ذکر احادیث مورد نظر در ۶۳ بیت

از اشعار او می‌پردازد.

Makâlat (Ehli Sünnet görüşlerini aydınlatan fikirlerin hususî görüşleri)

Muhammed b. Tavit et-Tançî

Şehrîstânî'nin Kitabı'l-nilel ve'n-nihal's, s.1.

el-nilel ve'n-nihal posetinde.

ابوالقاسمی، سیده مریم؛ موحد، ضیاء؛

موحد، محمد علی (۱۳۰۳-) (میزگرد

و مصاحبه‌شونده) Sems-i Tabrizi

۷۹۱- «صدای خاموش: تأملی در

غزلیات شمس»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه،

پیاپی ۷۷، ص ۸۶-۱۰۳، فارسی، کتابنامه: ۱۰۳.

کد پارسا: A66953

عنوان متن نقد شده:

دیوان شمس، مولوی، جلال الدین محمد بن محمد

دیوان شمس

926. KEYMANEŞ, 'Abbās. Partov-e 'erfân. Šarḥ-e eṣṭelâhât-e 'erfâni-ye Kolliyyât-e Šams. Téhéran, 'Elmi, 1366, 2 vol. pagination continue, xxix-935 p. [La lueur de la connaissance mystique. Explication des expressions mystiques dans les Kolliyyât de Šams]

Ce livre n'est pas vraiment un commentaire ou une explication (comme le mot šarḥ du titre l'indique), mais plutôt un dictionnaire des "expressions mystiques" du Divân-e Šams-e Tabrizi du grand Mowlânâ Jalâl al-Din Rumi (m. 672/1273). Les expressions poético-mystiques de Mowlavi dans son Divân sont d'une force suggestive, d'une originalité imaginative et parfois d'une difficulté déconcertante, uniques dans toute la littérature mystique de langue persane (plusieurs études sur cette langue poétique par Foruzânfar, Homâ'i, Šafî'i Kadkani...). Ici, plus de 600 mots ou expressions sont répertoriés et définis à l'aide des sources lexicologiques et exégétiques, de la littérature classique sur le Coran et le hadith, des traités de termes techniques mystiques (iṣṭilâḥât al-šūfiyya) et des classiques du soufisme. Dans certains cas, assez nombreux, ces sources s'avèrent insuffisantes, surtout en ce qui concerne les parcours et les étapes initiatiques ou les états de conscience d'un grand maître, exprimés sous forme d'images insolites; pour ces cas, la consultation des ouvrages "ésotériques" soufis ou des autobiographies spirituelles de maîtres mystiques aurait pu être plus fructueuse — je pense par ex. aux expressions jâm-e xazâni, "la coupe automnale" I/351; julâh-e hasti bâf, "le tisserand de l'Etre" I/419; xâneqâh-e šeṣdari, "le couvent aux six portes" I/478; duṣax âšâm, "le buveur de l'enfer" II/551; saḡraq-e xâmušan, "la cruche des silencieux" II/608; ḡosl-e qiyâmat, "l'ablution de la résurrection" II/743; qarînân-e nahâni, "les proches cachés" II/770... L'ouvrage demeure néanmoins un outil nécessaire pour l'étude de l'œuvre poéti-

que de Mowlavi, au même titre que les Ma'âze-e qeşaş va tamšilât-e Mašnavi de Foruzânfar (Téhéran, 2^e éd. 1347/1968) et le Farhang-e loḡât va ta'birât-e Mašnavi de Šâdeq Gowharin (Téhéran, 1362/1983, 9 vol.; v. Abst. Ir. VIII, 489).

M. A. A. M.

20 ŞUBAT 2008

SEMS-I TABRIZI

02 MART 1996

03 NISAN 2007

Şems-i Tebrizi

94 ESTE'LAMI, Muhammed. The unreadable script: the spiritual state of Shams ad-Din Tabrizi. *Sufi*, 52 (2001-2002) pp.31-34.

- Şems-i Tebrizi

A Sufi ode from the Persian of Shams Tabreze, and ode from Khosru. *Asiatic journal* 7 (1819), 496.

04 OCAK 1993

Şems-i Tebrizi

Taraik II, 315-318 03 ŞUBAT 1993

16328, 8770

1130. *Maqālāt-i Šams-i Tabrīzī, Šams-ad-Dīn Muḥammad Tabrīzī / tashīh wa ta'liq-i Muḥammad 'Alī Muwāḥḥid. - Āp 1. - Tih-rān: Intišārāt-i Ḥwārazmī, [1990] = 1369 h.š. - 1023 S. Inhalt: Studien über Šams-i Tabrīzī u. im zugeschriebene Gesichten und Lehren. - In arab. Schrift, pers. 32 A 4126*

6612 AVERY, P. W. Jalāl ud-dīn Rūmī and Shams-i-Tabrīzī, with certain problems in translation. *MW* 46 (1956), pp. 237-252

Celaleddin Rumi
Şems-i Tebrizi

Celaleddin Rumi ve
Şems-i Tebrizi,
Tercümede bazı problemler

Şems-i Tebrizi

03 ŞUBAT 1993

03 ŞUBAT 1993

Orstucu, 437

Şems-i Tebrizi

Browne
L.H. Persig
II 516

03 ŞUBAT 1993

891.59

MEVLANA CELALEDDİN
ŞEMS-İ TEBRİZİ

7382 GUVEN, Rasih. Mawlana Julalu'-ddin and Shams-i Tabrizi. *Indo-Iranica* 17 iv (1964), pp. 24-39

Mevlana Celaleddin ve
Şems-i Tebrizi

Şems-i Tebrizi
313

25 OCAK 2009

286 MCOR, Jereer el-. The 'sun of religion' meets its 'reviver'? A review-article of *Me and Rumi: the autobiography of Shams-i Tabrizi*. *Journal of the Muhyiddin Ibn 'Arabi Society*, 38 (2005), pp.65-89. [Trans. by William Chittick, Louisville, 2004.]

Şems-i Tebrizi

190. MOVAHHED, M. 'A. Šams-e Tabrizi va Šeyx Ḥasan-e Bolqāri. *Soxan*, 25, 12 (1356), pp. 1297-1302.

121 Dans son *Mojmal-e Faṣiḥi* (écrit en 845 h.q.), Xavvāfi donne une notice sur l'année 698, notée comme la date de la mort de Ḥasan-e Bolqāri, l'un des deux disciples, dit-il, de Šams-e Tabrizi, l'autre étant Mowlavi. Divers recoupements permettent à l'A. d'avancer que nous serions devant une notice donnant sur Šams-e Tabrizi de nouveaux éléments. C.F.

شاهرخ تاش، شهرام. "تحليل یک غزل از دیوان شمس تبریزی". "اسرار" 11 (1364): ص 11. 1995
ŞEMS-İ TEBRİZİ

190 F. M. 1993

08 OCAK 1994

181751 ŞAMS-I TEBRİZİ

5402. Faṭīmī, Ḥuṣayn: Taşwīr-garī dar guzaliyāt-i Šams / Ḥuṣayn Faṭīmī. - Cāp 1. - Tih-rān: Amīr Kabīr, [1985] = 1364 h.s. - 336 S.
İnhalt: Metaphern in d. Ghaselen Rūmīs. - In arab. Schrifu. pers. 30 A 5864

949. PURNĀMDĀRYĀN, Taqī. *Dāstān-e payāmbārān dar Kolliyāt-e Šams: šarḥ var tafsīr-e 'erfānī-e dāstānhā dar qāzāl-hā-ye Mowlavi*. Tehrān, MMTF, 1364/1985, 487 p. (MMTF n° 546).
[Récits des prophètes dans le *Divān-e Šams* de Mowlavi. Commentaire et interprétation mystique]

L'A. analyse d'abord les récits des prophètes dans la poésie courtoise, puis dans la poésie mystico-religieuse, puis dans le *Maṣnavi* de Mowlavi, et enfin dans les *Kolliyāt-e Šams*. Après une évaluation générale du champ littéraire des récits des prophètes dans l'œuvre de Mowlavi, l'A. consacre un chapitre à la figure de chacun des grands prophètes de la tradition coranique (Ādam, Ebrāhīm, Edris, Ayyub, Jerjīn, Xeṣr, Eliyās, Dāvud, Soleymān, Šāleh, 'Issā, Luṭ). Répertoire très fourni, qui met bien en valeur la culture coranique de Mowlavi. Peu de poètes semblent avoir mieux que lui, intégré à la fois la tradition poétique narrative persane et la tradition narrative musulmane. On regrettera l'absence de tout index. Ch. B.

19 EKIM 1993

موسیقی شعر در غزلیات شمس "ابرار (۶ فروردین ۱۳۶۵) ص: ۴

432. ŠAMS al-dīn Moḥ.-e TABRIZI. *Maqālāt-e Šams-e Tabrizi*. Éd., introd. et notes de Movahhed M. 'A. Téhéran, 1356/1977, 457 p.

Première édition critique des *Entretiens* de Šams (une édition avait été réalisée en 1349/1970 à Téh. par A. Xoşnevis ('Emād), 400 p.). Ces *Entretiens* sont en réalité les notes que prirent les disciples qui fréquenterent le maître de Mowlavi durant ses deux séjours célèbres à Qonya, entre 642/1244 et 645/1247. On sait l'influence que Šams eut sur la vie et l'œuvre de Mowlavi. En utilisant les meilleures sources, M. 'A. Movahhed retrace (pp. 11-39) de façon vivante l'histoire de cette relation entre Šams et Mowlavi; l'œuvre de ce dernier semble correspondre à deux phases: le *Divān*, à l'époque où il connut Šams, jusqu'à la mort de celui-ci; le *Magnavi* est l'explication de ce que vivait Šams, et donc Mowlavi; l'éditeur s'est appliqué, dans les notes (pp. 263-401), à montrer la relation de texte à explication qu'il y a entre les *Maqālāt* et le *Magnavi*: les deux ouvrages s'éclairent l'un l'autre. D'autre part, les *Maqālāt* nous éclairent quelque peu sur le personnage énigmatique de Šams, et ses positions en soufisme. «*Maqālāt*» est le titre donné au recueil des paroles de Šams, recueil qui semble avoir été fait par le fils de Mowlavi, Solṭān Valād. Les manuscrits ont différents titres; Mowlavi se référerait sans doute à ces *Maqālāt*, quand il parlait des *asār* de Šams. Parmi les Mowlaviān, les «*Maqālāt*» étaient appelées «*Xerq-e Šams al-dīn*», la bure de Šams. M. 'A. Movahhed a fondé son édition sur les six meilleurs manuscrits connus, tous en Turquie, dont trois à Qonya même. L'établissement du texte posait de difficiles problèmes, puisqu'il s'agissait de notes prises par des auditeurs. Ce volume contient la première partie des *Maqālāt* (pp. 67-200), des compléments au texte contenus dans divers mss. (pp. 215-262) et des «*kalemāt-e qešār*», aphorismes prêtés à Šams. Parmi les Index, il y a celui des sujets traités et des contes (pp. 1-8). Un ouvrage qui doit prendre place auprès du *Magnavi*. I. Afšār a dit son importance dans un compte rendu récent (*Ayandé*, 6, 1-2 (1359), pp. 126-7). C. F.

D.308 . . . ŞEMS TEBRİZİ

2491 AKHTAR, Ahmedmian. Shams Tabrizi. Was he an Ismailian? IC 10 (1936), pp. 131-136

Şems Tebrizi. O bir İsmaili miydi?

MEVLANA CELALEDDİN RUMİ
ŞEMS-I TEBRİZİ, Şemseddin

GOVEN, Rasih. Mawlānā Djālāl al-Dīn al-Rūmī and Shams-i Tabrizī. *Doğu dilleri* 111(1966), pp. 223-239.

Alch. b. Ali b.

al-Mukadd al-Tibriz

Mawlānā Celāleddīn ve Şems-i Tebrizī.

Includes index.
Bibliography: p. [857]-863 (3rd group)
Tabrizi.
personality, sayings, and thoughts of Shams-e
Title on added t.p.: The third script
In Persian; romanized record.
878 p. : 111. : 22 cm.
[1972]
Zamānī. -- Tih-rān : Maḥdābī-ī-āṭarī, 1351
6452/11847-12472 / Naṣr al-Dīn Šāh al-
sukhanān, va andīshah-yi Shams-i Tabrizi, 5807-
Khat-e-ī stvum dar barah-yi shakhsīyat,
Šāh al-Zamānī, Naṣr al-Dīn.
86-931747

ŞEMS-I TEBRİZİ

2515 DREWES, G. W. J. Samsi Tabriz
in de Javaansche hagiographie. *TITLV*
70 (1930), pp. 267-330

Cava hagiografisinde
Şems-i Tebriz

02 MART 1994

(FED) Şems-i Tebrizi

SHAMS-I TABRIZI, d. 1246? A poem from the
divān of Shams i Tabriz [Rypka, 240:] edited
and translated by Alexander de Kebl. *Journal*
of the Royal Asiatic Society, 1900, pp. 140-142,
613.

10 AGUSTOS 1991

Şems-i Tebrizi

10 NISAN 1992

223. Šams al-Dīn Tabrizī (ölm. 645 h. = 1247 m., raddelerinde, Ateş, s. 107).

Margūb al-kulūb (manzum)

Baş : بکوم حد رب العالمین را عطا کو کرد بر ما را

Hâlet Ef. nr. 786/2 (yap. 7 b-9 a, ist. 1032 h.).

Tavşanlı nr. 1124 (yap. 22 b-25 b, ist. XII. asır).

10 NISAN 1992

ŞEMS-I TEBRİZİ
Micro- Shams-i Tabrizi, d. 1246? 89-931745
fiche Maqālāt-i Shams-i Tabrizi / guftār-i Shams
89/ al-Dīn Muḥammad ibn 'Alī ibn Malikšāh Tabrizi;
59917 bi-taḥṣīl va taḥshiyah va maqāḍīyah-i Ahmad
Khvushnīvis. Inādh. -- Tih-rān: Mu'assasah-i
Matbū'āt-i Āṭarī, 1349 [1970]
30, 17-440 p. : facsim. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. 435-440.
Includes indexes.
(Classical work on Sufism; includes explanatory notes and an introduction (55 p.) by Ahmad Khvushnīvis. Inādh)

ŞEMS-I TABRİZİ

SHAMS-E TABRIZI:

11 KASIM 1993

DREWS, G.W.J.: Sijmsi Tabrizi in de Javaansche hagiographie. *Tijdschrift voor indische taal-land, en volkenkunde*. 70, 1930 pp. 267-330.

AKTAR, Ahmedmian: Shams Tabrizi was he an Ismailian? *Islamic Culture* 10, 1936, pp. 131-36.

02 MART 1994

910. [FATEMI, Hoseyn. *Taşvirgari dar qazaliyât-e Šams*. Tehrân, Amir Kabir, 1364/1985.
[La métaphore dans les ghazals de Šams]]

181751 ŞEMS-I TABRİZİ

27 KASIM 1993

Dashti, 'Alī.
Seyr dar Divân-i Shams / 'Alī Dashti. —
Châp-i 7. — [Tehran]: Bâzma'n-i Intishârât-i
Jâvidân, 1362 (1983 or 1984);
314 p. ; 22 cm.
In Persian; romanized record.
350.00IR (pbk.)
(Commentary on Divân-i Shams Tabrizi, a
collection of mystic poems by Maulana Jalâl al-
Dîn Rûmî, 1207-1273, Persian poet)

86-930163

181751 ŞEMS-I TABRİZİ

89-931745

Micro- Shams-i Tabrizi, d. 1246?
fiche
89/ Maqâlât-i Shams-i Tabrizi / guftâr-i Shams
59917 al-Dîn Muḥammad ibn 'Alī ibn Malikdâd Tabrizi;
bi-taṣṭiḥ va taḥshiyah va muqaddamah-i Aḥmad
Khvushnivîs 'Imâd. — Tihrân : Mu'assasah-i
Matbū'ât-i 'Atzî, 1349 [1970]
30, 17-440 p. : facsim. ; 24 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. 439-440.
Includes indexes.
(Classical work on Sufism; includes explanatory
notes and an introduction (55 p.) by
Aḥmad Khvushnivîs 'Imâd)

03 ARALIK 1993

ŞEMS-I TABRİZİ

87-932656

Mushfiq Kāshānī, 'Abbās Kay Manish.
Partaw-i 'irfān : sharḥ-i iṣtilāḥāt-i
'irfān-i Kulliyāt-i Shams / ta'lîf-i 'Abbās
Kay Manish. — Châp-i 1. — [Tehran]:
Intishârât-i Sa'dî : Markaz-i pakshsh,
Intishârât-i Muḥammad 'Alī 'Ilmî, 1366 [1987]
2 v. (39, 935 p.) ; 25 cm.
In Persian; romanized record.
Bibliography: p. 923-[936]
Includes index.
3600.00IR per set.
For requesting libraries only.
(Explanatory notes on mystic terms and
expressions of Divân-i Shams Tabriz,
collected Persian Sufi poetry of Maulānā
Jalāl al-Dîn Rûmî, 1201-1273)

پس از چندی به دکن رفت و در جمع شاعران آن سرزمین به غزل‌سرایی پرداخت. وی از شاگردان نوعی خوشانی (۱۰۱۹ق) بود. پس از دکن در گجرات در ۱۰۲۴ق بخشی (معلم، تربیت‌کننده) عبدالله‌خان زخمی، معروف به فیروزجنگ، بود. سپس به برهانپور رفت و در آن‌جا به مدح عبدالرحیم‌خان‌خانان پرداخت. دیری دربار جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷ق) را نیز درک کرد و از او لقب خوش‌خبرخان گرفت و مدت‌ها بخشی شاهزاده پرویز فرزند جهانگیر بود. پس از درگذشت شاهزاده به درگاه شاه‌جهان پیوست و لقب مرحمت‌خان یافت. وی در آداب ملازمت و در سپاهیگری (لشکرآرایی) نیز مهارت داشت. دیری یک مثنوی بر وزن خسرو و شیرین دارد و ابیات پراکنده‌ای نیز از او در تذکرة‌ها به‌جا مانده است.

منابع: تذکرة حسینی، ۱۲۴-۱۲۵؛ دایرة‌المعارف آریانه، ۵۴۴/۳؛
 شع انجمن، ۱۵۵؛ صفح ابراهیم، برگ ۱۱۰، شماره ۳۱، مآثر
 رحیمی، ۷۸۸/۳؛ میخانه، ۸۶۳-۸۶۷؛ نشتر عشق، ۵۵۶/۲؛
 حسام‌الدین راشدی، «میرزا محمدصادق مینای اصفهانی»،
 پارس، دوره اول، شماره ۴-۱، ص ۵۰.

قاسم‌زاده

وان شمس (di.vān-e.šams) / دیوان کبیر / غزلیات شمس تبریزی /
 کلیات شمس، سروده مولانا جلال‌الدین محمد بن محمد بن
 حسین بلخی رومی (۶۰۴-۶۷۲ق). دیوان شمس دیوانی است
 با حجمی عظیم و سرشار از جوشش و تپش و عشق و بی‌قراری
 و مستی. «دیوان شمس تبریزی که نامی است که به حق به این
 دیوان داده‌اند سراپا آینه سرگشتگی‌ها، شوریدگی‌ها و
 شیفتگی‌های مولانا است که پاره‌ای از آن را در زمان حضور
 شمس تبریزی در قونیه و بسیاری دیگر از اشعار آن را در فراق او
 و به عشق او سروده است و به این خاطر کتابی شده است هم
 حجیم و هم عظیم که حکایت از شدت و هجوم اندیشه‌ها که در
 ذهن مولانا بوده دارد ... اما در این دیوان به هیچ‌وجه تکرار
 ملال‌انگیز نیست بلکه چون آینه روح مولانا است و او هر لحظه
 عید داشت و هر روز نو بود و هر دم بهاری دیگر در ضمیر تابناک
 او بود، دیوان او نیز به صورت بستان عشاق درآمده که سراپا
 تازگی و طراوت و خرمی است». اما باید دانست که این اشعار
 هرگز از روی بی‌دردی و گزافه‌گویی یا سخن‌پردازی سروده نشده
 است و چنین امری دون شأن آن بزرگوار است، بلکه آن‌چه مولانا

سروده جنبه کاملاً الهامی داشته و از سر بیخودی و مستی گفته
 شده است. شاعری نزد او هرگز آن‌چنان که نزد شاعران دیگر
 است، نبوده، بلکه آن‌چه بوده معارف و بدایع و حکمی بوده،
 همراه با جنون‌های نادر و زفت و جوشش طبع و ضمیر سیال و
 ذخّار او و به نوعی بنا به تعبیر یکی از شاعران فرنگی، تبدیل
 خون به مرکب بوده: «خون چو می جوشد منش از شعر رنگی
 می‌دهم - جامه خون آلوده گردد نafe خون پالایه‌ای / خون بین
 در نظم شعرم شعر منگر بهر آنک - دیده و دل را ز عشقش هست
 خون پالایه‌ای / چون شوم نومید از آن آهو که مشکش دم به دم -
 در طلب می‌دارم از بوی و از بو مایه‌ای / چون شود موسی
 بیاموزم جهودی را تمام - چون شود عیسی بگیرم ملت
 ترسایه‌ای». شعر گفتن مولوی چنین وضعی داشت. آن‌قدر
 معانی و مطالب و شورها و هیجانات عالی در روح و روان او
 بود که این کلمات قالب‌های نارسایی برای آن اندیشه‌ها بود و
 چنین است که او همیشه از تنگی زبان و قافیه می‌نالد و اظهار
 می‌دارد که این اوزان و این قوافی برای آن‌چه او در سردارد بسیار
 تنگ و کوچک‌اند. ما چه در دیوان شمس و چه در مثنوی به
 شواهدی از این دست برمی‌خوریم: «رستم ازین نفس و هوی
 زنده بلا مرده بلا - زنده و مرده وطنم نیست به‌جز فضل خدا /
 رستم ازین بیت و غزل ای شه و سلطان ازل - مفتعلن مفتعلن
 مفتعلن کشت مرا / قافیه و مفعله را گو همه سیلاب ببر - پوست
 بود پوست بود در خور مغز شعرا» آن‌چه در نظر مولانا پوست
 است و وی آن را درخور مغز شاعرانی می‌داند که شعر را به
 صورت پیشه‌ای در پیش گرفته‌اند، نزد او هرگز نبوده است.
 شاعرپیشگی و ارتزاق از شاعری یا مداحی هرگز در خور او نبود
 و او هرگز بدان‌ها دست نیالود. بلکه سرودن شعری که به نحو
 طبیعی و خودجوش از او می‌تراوید و اندیشه‌های بکر و
 مسحورکننده وی را که پایین آمده، جامه کلمات می‌پوشیدند،
 در خود داشت، شیوه آن بزرگ بود: «قافیه اندیشم و دلدار من -
 گویدم مندیش جز دیدار من / خوش نشین ای قافیه‌اندیش من -
 قافیه دولت تویی در پیش من / حرف چه بود تا تو اندیشی از
 آن - صوت چه بود خار دیوار رزان / حرف و لفظ و صوت را
 برهم زنم - تا که بی این هر سه با تو دم زنم». در دیوان شمس ما با
 مولانای دیگری روبه‌رو هستیم. مولوی در مثنوی سعی می‌کرد تا
 عنان سخن را نگه‌دارد و در عین مستی مراعات ادب کند و بر آن
 آتش‌ها که در ضمیر او بود آبی از تعلیم و تربیت بزند و سخنانی
 درخور فهم عامه بگوید. اما در دیوان شمس آن‌چنان صریح و

anlatıla geldi. Yetmiş yaşında Erzincan'ın Gerekçerek mahallesinde öldü. Kalealtı mezarlığına gömüldü. İlahileri ve hicviyeleri vardır. Şiirlerinde *Şems*, *Şemsî*, *Şems-i Hayâl*, *Hayâlî Şems* mahlaslarını kullandı. Çoğu şiirlerinde kendi mahlası yanında şeyhi Hayyât Vehbî*'nin adını da anmıştır. **Eseri:** *Tuhfetü'l-Uşşak*, Leblebici Baba'nın dostlarından şair Hilmi* Efendi tarafından 1280'de hazırlanmış, İstanbul'da Bab-ı Seraskerî Matbaasında 1296'da basılmıştır.

Kay.: TDEA, 8/133; V.C. Aşkun, *Terzibaba ve Erzincan'ın Mutasavvıf Şairleri*, (Balıkesir 1956), s.26-42. M. CUNBUR

ŞEMS-i Huda (?-1481ds.): Şair. Asıl adı *Yadigâr-ı Şemsî*'ye göre Ahmed Şemseddin, Bursalı Tahir Beye göre Akbıyık Abdullah Sultandır. *Akbıyık* sanıyla anıldı ve tanındı. Hacı Bayram tarikatına bağlıydı. II. Murad'la Kosova savaşına katıldı. İstanbul'un fethinde Fatih Sultan Mehmed'in yanında bulundu. İstanbul'un Sultan Ahmed Camii yakınlarındaki bir mahalleye Akbıyık'ın adı verildi. Sonradan Bursa'ya gitti. Bir mescitle bir ev yaptırdı. II. Bayezî'in tahta çıktığı 1481 yılından sonra vefat etti. Şiirlerinde Akbıyık isminden çok Şems-i Huda mahlasını kullandı. Ömer b. Mezid'in mecmuasında Akbıyık mahlaslı bir şiiri, Bayramiye tarikatına mensup şairlerin şiirlerinin yer aldığı MK FB 442, 487 numaralı mecmualarda Şems-i Huda mahlaslı şiirleri bulunmaktadır. **Eserleri:** *Divançe*, yazması TDK K nu. Yz A374/2, *Neynâme= Makalât'tan Hikâyât-ı Nay* TDK K nu. Yz A 374/1 numaralı mecmuada yer alan küçük bir mesnevidir. Eserin başlığından Akbıyık'ın *Makalât* adlı bir eseri olduğu anlaşılmaktadır.

Kay.: Mec. N. 67 (s.69); TDEA 1/86; *Türk Dil Kurumu Kütüphanesi Yazma Eserler Kataloğu*, Ank. 1999, s.281,325-326. M. CUNBUR

ŞEMS-i Tebrizî (? - 1247): Şeyh, Mevlâna'nın tasavvufta olgunlaşmasına yardımcı olan mutasavvıf. Asıl adı Şemseddin Muhammed

olup Şems-i Perende, Kâmil-i Tebrizi adları ile de anıldı. Tebriz'de doğdu. Melikdad oğlu Ali'nin oğludur. Hakkındaki bilgileri *Makalât* adlı eseriyle Mevlâna'dan söz eden kaynaklardan edinmekteyiz. Şems-i Tebrizi Tebriz'de Ebu Bekr-i Selle-baf'a mürit oldu. Bağdad, Şam ve Halep'te daha üstün bir şeyh bulma ümidi ile dolaştı. Erzurum, Erzincan, Tokat'tan, Sivas, Kayseri ve Aksaray'dan sonra Konya'ya ulaştı (1244). Mevlana ile yolda karşılaştı. O'na Hz. Muhammed'in mi, yoksa Bayezid-i Bestami'nin mi büyük olduğunu sordu. Mevlâna'nın Hz. Muhammed'i yücelten cevabı ile aralarında büyük bir dostluk başladı. Kendisi ile tanıştıktan sonra Mevlâna'nın çevresi ile ilgisini kesmesi, derslere ilgi göstermemesi Konya halkı tarafından hoş karşılanmadı. Mevlâna'nın da kendisine "Seninle tanıştıktan sonra kitaplar nazarımda pek tatsız kaldı" demesi ve yine çevresindekilerin Mevlâna'ya: "Tebrizli bir yabancının arkasından niçin yürürsün? Niçin Horasan toprağı Tebriz toprağına uyruk ve bağlı olsun?" sitemlerine ve tepkilerine sebep oldu. Bu tepkilere, hatta düşmanlıklara dayanamayan Şems-i Tebrizî, Konya'dan ayrıldı (1246). Onun Halep'e gitmesi, Mevlâna'da beklenen değişikliği yaratmadı. Tam tersine Mevlâna halktan eskisinden de daha uzaklaştı. Oğlu Sultan Veled'i göndererek Şems-i Tebrizî'yi yeniden Konya'ya getirtti. Evlerinde büyüttükleri Kimya adlı kızla evlendirdi. Aralarında gittikçe artan yakınlık ve dostluk, Mevlâna'nın çevresindeki halk tarafından kıskançlığa dönüştü. Şems-i Tebrizî aralarında büyük bir ihtimalle Mevlâna'nın oğlu Alâeddin Çelebinin de bulunduğu bir grup tarafından öldürüldü. Bir başka rivayet göre, Şems-i Tebrizi Konya'dan ayrılıp Şam'a, oradan da Tebriz'e gitti ve orada öldü. Onun Mevlevilik üzerindeki tesirleri Mevlâna'dan sonra da devam etti. **Eseri:** Şems-i Tebrizî'nin elimizdeki tek eseri *Makalât*'tır. M. N. Gençosman tarafından *Konuşmalar* adıyla dilimize çevrilen eserin dili Farsça

Varlık, 11, 1980 Tahrir

پروفیسور غ. بیگدلی:

بزرگان آذربایجان

شمس تبریزی نین حیات و یارادیجیلیقی

شمس الدین محمد بن علی بن ملک داد تبریزی هجری قمری ۶- نجی عصرده تبریزده آنسانان اولموش اونون دوغولدو قو ایل دقیق صورتده علم عالمینه بللی دگیل دیر. اوشاقلیق و ایلک گنج لیک ایل لرینی دوغما شهرینده کتچیرمیش مقدماتی تحصیلنی ده اورادا آلمیشدیر. دئیلن لره کؤره اونون دیل او گرنمه قابیلیتی یوکسک اولموش گنج یاشلاریندان بئله فارس و عرب دیل لرینی ده اؤز آنا دیلی کیمی دان شیرمیش.

یوکسک ذکا و بیوک استعداد صاحبی اولان ینی یتمه لیک دؤروندن بئله بیر متفکر کیمی دوشونوب مختلف مذهب و طریقتلر و رنگارنگ اینام و اعتقادلار حقیقده دوشونوب بونجا تفرقه و پراکنده لیک لرین اورتا یاچی خماسی حقیقده دوشونوب اولنارین تۇرنمه و نشو و نما ائتمه سبب لرینی آرایب آختارمیش و یوکیمی پارچالانمالاری، نتیجه تیره لیک لری غیر ضروری و ضررلی حساب ائتمیشدیر.

بعضی تذکره چیلرین یازدیقینا کؤره گویا شمس تبریزی منشأ اعتباری ایله اسماعیلیه فرقه سینین بیوک لریندن اولان خاوند علاء الدینین نسلیندن اولموشدور که، اونوندا کؤکو گندیب بزرگ امید کیایا یتیشیرمیش، آنجاق بو مدعا به هیچ بیر علمی ثبوت و استناد گاه یوخدور. آرتیق علم عالمینه بلی دیر که، شمس تبریزی آنا- بابا تبریزی اولوب، اونون اولو بابا لارینین هیچ بیر یسی ده اسماعیلیه فرقه سینده منسوب اولمایب، ماراغ دا کؤصترمه میشلر.

شمسین طریقت سلسله سینده گلدیکنده «مناقب افلاکی» اونون منسوب اولدوقو طریقتین اونا قدر کلیب چیخدیقی سلسله نی بئله تقدیم اندیر و یازیر: «امیر المؤمنین علی

حسن بصرینی تلقین اتمیش، اوحیب عجمینی، اوداود طائینی، او معروف کرخینی، اوسری سقطینی، اوجنیدی، اوشبلی نی، او محمد زجاجی، او ابوبکر نساجی، او احمد غزالی نی، او احمد بلخینی، اوشمس الائمه مرخسینی، او بهاء ولد لقبی ئیله مشهور اولان بهاء الدین محمدی، اوسید برهان الدین محقق ترمذینی، او مولانا جلال الدین محمدی، اوشمس الدین تبریزی نی، اودا سلطان ولد ی...

آنجاق بورادا ترتیب کرونولوژی آخردا بیر قدر پوزولوب و معین سهوه یول وئریلمیشدیر چونکه علم عالمینه تمامیله آیدین دیر که، مولانا جلال الدین رومی شمس الدین تبریزی نی یوخ، شمس الدین تبریزی جلال الدین رومینی تلقین ائدی ب، اونون مرادی، مرشدی و جلال الدینین اوز سؤز و ئیله دئسه که «تانیسی» اولموشدور. اونا معنوی ادراک، طریقت و محبت درسی وئرمیشدیر. بئله که جلال الدین همیشه اؤزونو، مرادی و مرشدی اولان شمسین رهینی و منتداری بیله رک ۸۴۰۰۰ مصراعدان عبارت اولان ایری حجملی کلیاتینا «کلیات شمس تبریزی» آدی وئرمیش، مثلی، نظیری اولمایان مشهور «مثنوی» سینده ده اونون الهامی و معنوی تاثیریندن کمالا یتیشمیشدیر. بئله که دفعه لرله اوزو بو حقه ملاحظه سؤیلمیش، اوزونو شمس الدینین مریدی و شاگردی حساب اتمیشدی.

اگر نه عشق شمس الدین بدی هر روز شب ما را
فراغتھا کجا بودی ز دام و از سبب ما را
تب شهوت بر آوردی دمار از ما ز تاب خود
اگر از تابش عشقش نبودى تاب و تب ما را
نوازشهای عشق او، لطافت های مهر او
رهانید و فراغت داد از رنج و نصیب ما را
زهی آن کیمای حق که هست از مهر جان او
که عین ذوق و راحت شد همه رنج و لعب ما را
در آن مجلس که گردان کرد از لطف او صراحیا
گرانقدر و سبکدل شد دل و جان از طرب ما را
بسوی خطه ی تبریز چشمه آب حیوانست
کشاند دل پدان جانب چوخضر پی طلب ما را

تذکره لرین یازدیقینا اساساً شمسین عرصه یه چا تدیقی دؤرده ایلک طریقت معلی مشهور صوفی شیخ ابوبکر بن اسماعیل سله باف تبریزی اولموشدور بئله که بو حقه ده

۱- «مقالات شمس تبریزی». تهران. خرداد ۱۳۴۹. ش. ۵. صفحه ۱۱.

۲- شمس تبریزی. «کلیات دیوان». چاپ سوم. تهران ۱۳۴۵ شمسی. صفحه ۷۶.

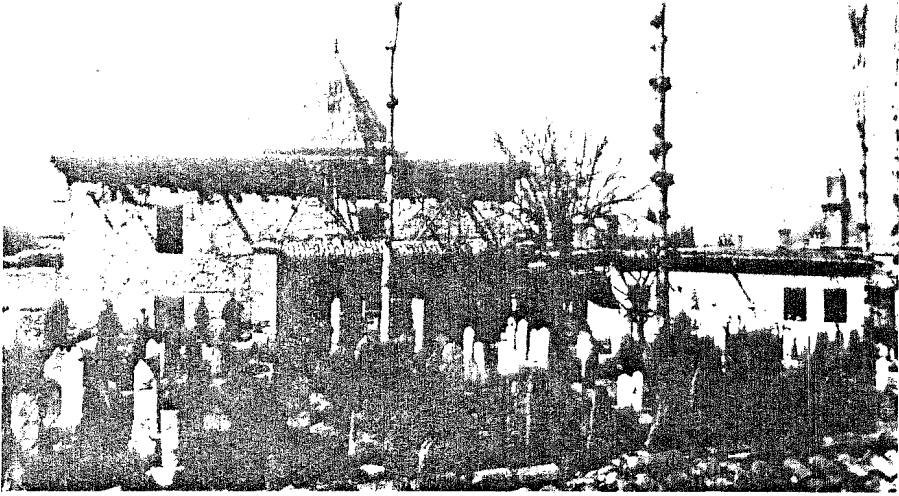
gu motifler dikkatli çeker. Yapı genel olarak Kara-
manoglu hamamlarının güzel bir örneğidir.



Bugün yeniden restore edilen Meram Hamamı...

ŞEMS-İ TEBRİZİ ZAVİYESİ

Şems-i Tebrizi Zaviyesi'nin eski bir fotoğrafı...



Mevlânâ'nın can dostu Şems-i Tebrizi'nin adına yaptırılmıştır. Külâhla örtülü türbeye bitişik mes-
cidi ile bir manzumedir. Fatih devri evkaf kayıtlarında mütevellî isimleriyle belirtilen zaviyenin, Mevlevî kültür ve telekür tarihinde önemli bir yeri vardır. Abdurrezzak oğlu İshak bey tarafından onarılmış ve genişletilmiş; "Kıyâmete kadar" yaşaması için de, Niğde'nin Dikenli köyünü ve bu köydeki Marmara, Salur, Karaağıl çiftlikleri; Ağın, Konya'-

280. HĀ'ERĪ, Hādī. *Noḡbat ol-'erfān men āyāt el-Qor'ān va tafsīruhā (Taṭbīq-e aš'ār-e Maṭnavī va kolliyāt-e Šams bā Qor'ān-e karīm)*. Tehrān, Entešārāt-e ḡaḡīqat, 1383/2004, 303 p.

[Le Meilleur du mysticisme dans le Qor'ān et les exégèses (Comparaison des vers de *Maṭnavī* et du *Dīvān* intégral de Šams avec le Noble Coran)]

Molānā Jalāleddīn Moḡammad Balḡī figure parmi les exégètes du Coran pour avoir inséré en vers persans dans son *Maṭnavī* et son *Dīvān intégral de Šams*, les concepts originaux coraniques et les interprétations herméneutiques (*ta'vīl*) des versets du Coran. De nombreux commentaires, rédigés au long des siècles sur l'ensemble de son œuvre, notamment sur le *Maṭnavī*, témoignent de cet aspect de sa poésie. Le Maître soufi Hādī Hā'erī (1269-1359/1890-1980) figure parmi les commentateurs du *Maṭnavī* et du *Dīvān intégral de Šams*. Il a été initié aux pensées de Molānā par son père, Ḥāj Šeyḡ 'Abdollāh Hā'erī, aussi connu sous le nom de Raḡmat 'Alī-šāh (m. 1316/1937) qui était l'un des plus célèbres mystiques et spécialistes de Molānā. Forūzānfār l'a cité comme son maître dans la préface de son édition du *Dīvān intégral de Šams*. Hādī Hā'erī occupait également une place de choix auprès d'éminents maîtres et spécialistes en la matière dont Badī' ol-Zamān Forūzānfār, Seyyed Moḡammad Kāzem 'Ašār, Moḡīṭ Ṭabāṭabā'ī et Seyyed Ḥoseyn Našr. Il organisait à Téhéran des salons consacrés au *Maṭnavī* où se réunissaient de nombreuses personnalités littéraires.

Dans ce livre, pour chaque verset du Coran commenté, l'A. cite d'abord ce verset puis le fait suivre des poèmes du *Maṭnavī* et du *Dīvān intégral de Šams* qui lui correspondent. Dans certains cas, le verset ne correspond en apparence pas avec les vers cités mais le rapport se révèle à travers le concept et le sens mystique des vers.

La genèse de cette œuvre, comme il est dit dans la préface, remonte au mois de Ramaḡān de 1330 h.s./1941 alors que l'A., lisant des versets du Coran, notait en marge les vers qu'il connaissait par cœur. De même, il notait en marge de son *Maṭnavī* les versets du Coran qui correspondaient au sens des vers ; toutefois, la référence principale de ce livre est fournie par les notes écrites en marge du Coran. Ces notes ont été relevées et éditées du vivant de leur auteur et sont maintenant publiées après de nombreuses années.

S.P.

10 KASIM 2004

s. 1289

شمس تبریزی

4265 - محمد بن علي بن ملك داد التبريزي الصوفي

المتخلص بشمس تبريزي - صاحب جلال الدين الرومي

القنوي - المتوفى 1247/645

(أنظر : البغدادي هدية العارفين 123/2)

من تصانيفه :

1 - أشعار شمس تبريزي - في التصوف (ف)

روان كوشكي رقم 1/1055 ورقة 2 ، 1082 هـ ؛

2 - رباعيات شمس تبريزي - في التصوف (ف)

جلبي عبد الله أفندي رقم 298 ؛

3 - رسالة في الحرقه - في التصوف (ف)

محمد رشاد رقم 199 ؛ صفحة 451 ، 1326 هـ ؛

4 - غزليات شمس تبريزي - في التصوف (ف)

محمد عاصم رقم 3/719 ورقة 5 فقط ؛ أحمد ثالث يكيلر

7/4063 ورقة 117 - 122 ، 954 هـ ؛

5 - قصيدة شمس تبريزي در ولاية أمير المؤمنين علي بن أبي

طالب (ف)

بانكبور مجموعة رقم 8/3785 ورقة 2 ؛ 34 بيتا ؛

6 - مرغوب القلوب - في التصوف (منظوم) (ف)

ولي الدين أفندي رقم 4/1804 ؛ نورعثمانيه رقم 7/5008

ورقة 81 - 86 في الهامش ؛ 1051 هـ ؛ حالت أفندي رقم

2/786 ورقة 7-9 ، 1032 هـ ؛

7 - مقالات شمس تبريزي - في التصوف (ف)

سليم آغا رقم 5/567 ورقة 315 ، 788 هـ دار المنشوي

رقم 271 ؛ سليميه (برتو باشا) رقم 2/635 ؛ فيض الله

أفندي رقم 240 ؛ متحف مولانا رقم 2144 ورقة 79 ؛ رقم

2145 ورقة 191 ؛ فاتح رقم 2788 قيد التملك 789

هـ ؛ ؛ حالت أفندي رقم 184 ، 1231 هـ ؛ ولي الدين

أفندي 1856 ؛

- _____, "Kokandskaya versiya İslamizatsii Turkestana", *Podvijniki İslama – Kult svyatih i Sufizm v Sredney Azii i na Kavkaze* – (Ed. by S. N. Abashin, V. O. Bobrovnikov), Moskova, 2003, s.117-153.
- Nisârî, Hasan Hoca, *Müzekkir-i Ahbâb*, Biruni Şarkiyat Enstitüsü, nr. 4282.
- Nurmuhamedov, N., *Mavzoley Hodji Ahmeta Yasevi*, Ankara, 1991.
- Risâletü'l-meymûne* (Müellifi meçhul), Biruni Şarkiyat Enstitüsü, nr. 3808.
- Schuyler, Eugene, *Türkistan Seyahatnamesi* (çev. Kolağası Ahmed; haz. Ali Ahmetbeyoğlu, Kemal Özcan, İshak Keskin), İstanbul: Tarih ve Tabiat Vakfı, 2003.
- Sertkaya, Osman Fikri, "Nehcü'l-Ferâdis'te ve Ahmed Yesevî Hikmetlerinde Selmân-ı Farisî/Arslan Baba Menkıbeleri", *Milletlerarası Hoca Ahmed Yesevî Sempozyumu Bildirileri*, Ankara, 1991.
- Trimingham, J. S., *Sufiyskiye ordena v İslame*, Moskova, 1989.
- Zarcone, Thierry, "Hindistan'da Türk Tasavvufu: Yesevîyye Örneği", İstanbul 1993, *Dergâh*, c.IV, sayı: 38, s. 19.

(181751)

Şems-i Tebrizî'nin Tasavvufî Meşrebi ve Mevlânâ'nın Düşüncelerine Tesiri

Osman Nuri KÜÇÜK*

ÖZET

Şems-i Tebrizî'nin Tasavvufî Meşrebi ve Mevlânâ'nın Düşüncelerine Tesiri

Bu makalede Şems-i Tebrizî'nin sohbetlerinden derlenmiş olan Makâlât esas alınarak onun tasavvufî meşrebi ve Mevlânâ üzerindeki tesiri ele alınmıştır. Sûfî yollarından aşk ve şuttâr ehli olarak bilinen ekolün tipik özelliklerini taşıyan Şems, Mevlânâ'nın dindarlık anlayışını ibadet ve zühdün ötesine ilahî aşk ve cezbe cihetine yöneltir. Çalışmada Şems'in düşünce ve yaşam tarzının şekillenmesinde etkili olan temel kişilik özellikleri ele alınmış; ayrıca Mevlevî geleneğinde Mevlânâ'nın ledünnî sırrı tefeyyüz ettiği velî kabul edilen Şems'in Mevlânâ'nın sülûk usulü üzerindeki tesirleri incelenmiştir.

Anahtar kelimeler: Mevlânâ, Şems-i Tebrizî, Seyr ü Sülûk, İlm-i ledün.

ABSTRACT

Shams Tabrizi's Mystical Disposition and His Influence on Mawlana's Thought

This paper discusses Shams' mystical disposition and his influence on Mawlana on the basis of the Maqalat, which was composed from accounts of Shams al-Din. Bearing the typical characteristics of *Tariq al-Ishk* and *al-Shuttar*, Shams redirected Mawlana's understanding of piety beyond worship and asceticism, bringing it closer to divine love and attraction. This work is about the main characteristics that influenced the shaping of Shams' intellect and lifestyle, and the impact of Shams, who is regarded across the Mawlawi tradition as the source of Mawlana's inspiration for innate secrets, on Mawlana's style of spiritual training (*suluq*).

Key words: Mawlana, Shams Tabrizi, *sayr al-suluq*, innate sciences (*ilm al-ladun*).

Bu makalede Mevlânâ'nın hayatında önemli bir değişime vesile olduğu bilinen Tebrizli Şemseddin'in tasavvufî meşrebi ve düşünceleri ile bunların Mevlânâ üzerindeki tesiri üzerinde duracağız. Mevlânâ'nın Şems hakkındaki tasvirlerine Mevlânâ okurları aşinadır. Biz burada daha ziyade Şems'in görüş ve düşüncelerinden hareketle aradaki teşirin Şems'in fikriyatındaki yerine değineceğiz.

Şemseddin'in (1187-1247) tam adı Muhammed b. Ali b. Melikdâd'dır.¹ Konya'ya gelişiyle Mevlânâ'nın yaşam felsefesinde belirgin bir değişime yol açan bu esrârengiz ve coşkun zat, öğrencilerine ders veren, halkı irşâd ile meşgul, âlim ve temkinli bir sûfî olan Mevlânâ'yı, adeta kendinden geçirdi ve onu coşkun bir Hak âşığı hâline getirdi.²

* Yrd. Doç. Dr., Erciyes Ü. İlahiyat Fakültesi Öğretim Üyesi. (onkucuk@erciyes.edu.tr)

¹ Ahmed Eflâkî, *Ariflerin Menkıbeleri –Mevlânâ ve Etrafındakiler–* (çev. Tahsin Yazıcı), İstanbul: Remzi Kitabevi, 1986, II, s. 60. Ayrıca krş. Eflâkî, *Manâkib al-Ârifin* (Farsça Metin) (haz. Tahsin Yazıcı), Ankara: TTK, 1980, II, s. 614.

² Bediüzzaman Fûrûzanfer, *Mevlânâ Celâleddin* (çev. Feridun Nafiz Uzluk), İstanbul: MEB 1997, s. 66.

D2193

its influence can be found with a number of later writers on literary theory, and a few abridgements were made (see the Introd. by Mudarris-i Raḍawī, pp. xviii-xx).

Bibliography: The first critical edition of the *Mu'djam* was published by Mīrzā Muḥammad Kaẓwīnī, London 1909 (GMS, x), with an English introd. by E.G. Browne; revised ed. Muḥammad Mudarris-i Raḍawī, Tehran 1314 *sh.*/1935-6, 2nd Tehran 1338 *sh.*/1959 (referred to in this article). See further the introd. to the editions; Storey, *Persian literature*, iii/1, 179; L.P. Elwell-Sutton, *The Persian metres*, Cambridge 1976; J.W. Clinton, *Aesthetics by implication: what metaphors of craft tell us about the "unity" of the Persian qasida*, in *Edebiyat*, iv (1974), 73-96; idem, *Sams-i Qays on the nature of poetry*, in *Studia Arabica et Islamica. Festschrift for Ihsan 'Abbas*, ed. W. al-Qadi, Beirut 1981, 75-82 (with a partial tr. of the *khātima*); G.J. van Gelder, *Beyond the line*, Leiden 1982, 142-4; 'Abd al-Ḥusayn Zarrīnkūb, *Naḥd-i adabī*³, Tehran 1362 *sh.*/1983, i, 247-9 and *passim*; W. Smyth, *Early Persian works on poetics and their relationship to similar studies in Arabic*, in *St.Ir.*, xviii (1989), 27-53. (J.T.P. DE BRUIJN)

SHAMS-I TABRİZ(Ī), the name given to a rather enigmatic dervish who deeply influenced and transformed Djalāl al-Dīn Rūmī [*q.v.*], and whose real name was, according to Djamī, *Nafahāt al-uns*, ed. Nassau Lees, 535, Shams al-Dīn Muḥammad b. 'Alī b. Malik-dād-i Tabrizī.

His prose writings, *Maḳālāt*, as well as the notes by Rūmī's elder son Sulṭān Walad [*q.v.*], reveal him as a man of overwhelming spiritual power. He must have been in his forties or fifties when he reached Konya on 26 Djumādā II 642/23 October 1244, but next to nothing about his spiritual pedigree is known. He writes that he was a disciple of Abū Bakr Sallabāf, a basket maker, which may point to a relation with the *futuwwa* [*q.v.*] (thus Gölpınarlı). A Kubrawī *silsila* is sometimes mentioned, and the frequent, very positive use of the term *ḳalandar* in Rūmī's poetry might indicate that Shams was close to the *ḳalandars*. In his search for someone to understand him, Shams wandered through the world, always staying in caravansarays, not in religious establishments. In 'Irāk he met Awḥad al-Dīn-i Kirmānī, whose claim to see the reflection of the moon in a lake when looking at unbearded youths, incited him to the well-known remark, "If you haven't got a boil on your neck, why don't you look at the sky?" For some time, Shams stayed in Syria, where he met Ibn 'Arabī [*q.v.*], whom he did not like, as he "did not follow the *Sharī'a*" although he found "something useful" in him. But his later comparison of Ibn 'Arabī with Rūmī reveals his feeling; Ibn 'Arabī was, for him, a "pebble, Djalāl al-Dīn, a pearl". For some time, Shams was a teacher in Erzerum; but nowhere could he find someone who could bear his company, for his sharp tongue did not spare anyone, and he was quick in punishing students (although he never accepted a *murīd*). Finally, he was guided by dreams to Konya, where he met Rūmī, who "understood him". Djalāl al-Dīn left his teaching to spend weeks in solitude with Shams (who did not, however, believe in the necessity of the forty days' seclusion). Sensing the increasing enmity of the people of Konya, Shams left secretly on 21 Shawwāl 643/15 February 1246, and in longing for him Rūmī turned poet, touched like a flute by the friend's breath. Shams was finally found in Damascus, and brought back by Sulṭān Walad, who describes the reunion of his father with Shams, when "nobody knew who was the lover and who the beloved" (1 Muḥarram 645/8 May 1247).

For some months he stayed in Rūmī's house, married to a girl from the household, who died a few days before he disappeared (5 Sha'bān 645/5 December 1247). Most likely he was murdered with the connivance of Rūmī's younger son; his body was thrown into a nearby well besides which the *maḳām-i Shams* was later built. Rūmī probably sensed what had happened, yet did not believe in the death of the "eternally radiant Sun" and went to Syria to search for him until he realised that Shams lived in him; and he signed his poetry with his name. His later friends, Ṣalāḥ al-Dīn Zarkūb and Ḥusām al-Dīn Čelebi were nothing but "reflections" of "the Sun". His *na't-i sharīf* shows the close connection between Shams and the Prophet, from whom he claimed to have received "the cloak of companionship". His love for the Prophet to the exclusion of all learned books, and his aversion from philosophy, is echoed in Rūmī's poetry.

Shams claimed to have reached the highest possible rank, that of the third degree of the beloved ones, *ma'shūk*, or "the *ḳuṭb* of the beloved ones", and Rūmī's descriptions of Shams are sometimes close to his "deification".

Claims have been made that Shams was an Ismā'īlī, all the more as a mausoleum of Shams-i Tabrizī is found in Multān. This (Indian) Shams was a contemporary of the Suhrawardī master Bahā' al-Dīn Zakariyyā (d. 1267), and the miracles ascribed to him are as outspoken and as scaring displays of tremendous power as those of Mawlānā Rūmī's Shams; however, it is likely that the Multānī Shams may be identical with an Ismā'īlī *pir* (cf. SHAMS AL-DĪN MUHAMMAD).

But whoever Shams-i Tabriz may have been (and that he was a real person is proven by his enormous derwish hat in the museum in Konya), the world owes to his inspiration the collection of the most fiery mystical love lyrics, the *Dīwān-i Shams-i Tabriz* by Rūmī, and without his influence Rūmī's *Mathnawī* would not have been composed either, for he was the inspiring power behind every word that Rūmī wrote.

Bibliography: 1. Texts. *Kullīyyāt-i Shams-i Tabriz*, Lucknow 1302/1885; ed. Badī' al-Zamān Furūzānfar, 10 vols., Tehran 1336-45/1957-66; other editions, see Rypka, 787; R.A. Nicholson (ed. and tr.), *Selected poems from the Dīwān-i-Shams-i Tabriz*, Cambridge 1898; *Maḳālāt*, ed. M.A. Muwaḥḥid, Tehran 1990.

2. Studies. Browne, *LHP*, ii, 516-19; Gölpınarlı, *Mevlāna Celaladdin*, Istanbul 1951; Rypka et alii, *Hist. of Iranian literature*, 240; F. Meier, *Zwei Abhandlungen über die Naqšbandīyya*, Istanbul-Stuttgart 1994; *ET* art. *Tabrizī* (R.A. Nicholson).

(ANNEMARIE SCHIMMEL)

SHAMSA, a jewel used by the 'Abbāsīd and Fātimīd [*q.vv.*] caliphs as one of the insignia of kingship. According to the description of the Fātimīd *shamsa*, given by Ibn Zūlāk (quoted by al-Maḳrīzī, *Ittī'āz al-hunafā'*, i, 140-2), it was not a sunshade, as has been guessed (de Goeje, in al-Ṭabarī, *Glossarium*, p. cccxvi), but a kind of suspended crown, made out of gold or silver, studded with pearls and precious stones, and hoisted up by the aid of a chain. The *shamsa*, therefore, is not to be confounded with the *mizalla* [*q.v.*] or sunshade which belonged also to the royal insignia. The model of the *shamsa* was probably the crown suspended above the head of the Sāsānīd king (al-Ṭabarī, i, 946). It served for the 'Abbāsīd caliphs as a symbol of legitimate rule (al-Ṭabarī, iii, 1553-4) and represented the authority of the absent caliph during the Pilgrimage to Mecca, where it was suspended in front of the Ka'ba during the *ḥajj*

11 TEMMUZ 1987

ABDÜLBÂKİ GÖLPINARLI

bki Mevlana Celaleddin-i Rumi

- Celaleddin-i Rumi
- Sems-i Tabrizi

MAWLÂNÂ, ŞAMS-I TABRİZİ İLE ALTMİŞ İKİ
YAŞINDA BULUŞTU

ŞARKİYAT MECMUASI - III (1959)' den ayırbasım

EDEBİYAT FAKÜLTESİ BASIMEVİ
İSTANBUL — 1959

NOT: Ayır Basım E MEVLANA CELALEDDİN-i RUMİ
poğatındadır.

24 EXIM 2000

12. LAWSON, Todd (ed.). *Reason and Inspiration in Islam. Theology, Philosophy and Mysticism in Muslim Thought. Essays in Honour of Hermann Landolt*. London-New York, I.B. Tauris & The Institute of Ismaili Studies, 2005, 558 p.

En hommage à Hermann Landolt, ce volume réunit un grand nombre d'articles de spécialistes consacrés à l'islam, dont certains font l'objet d'une recension dans ce numéro (cf. c.r. n° 183, 266, 273). Une bibliographie de Hermann Landolt est donnée au début de l'ouvrage (pp. 7-18).

- Manicheism
- Valeri
- Taligye
- Velayet
- Cincipi Baghate
- Farabi
- ibn Sina
- Ibn Tufayl
- Kadi Numan
- Batini
- Ebu Hatim er-Razi
- Gaggali
- Sems-i Tebrizi
- Ahmed Gaggali
- Suhrawardi Shahrastani

Part One: Classical Islam : Karim Douglas Crow, "The 'Five Limbs' of the Soul: A Manichaean Motif in Muslim Garb?" (pp. 19-33). Donald P. Little, "Narrative Themes and Devices in al-Wāqidī's *Kitāb al-maghāzī*" (pp. 34-45). L. Clarke, "The Rise and Decline of *Taqiyya* in Twelver Shi'ism" (pp. 46-63). Ahmet T. Karamustafa, "*Walāya* According to al-Junayd (d. 298/910)" (pp. 64-70). Fabienne Pironet, "L'importance du *Traité de l'harmonie* d'al-Fārābī: ses visées politiques" (pp. 71-84). Paul E. Walker, "Philosophy of Religion in al-Fārābī, Ibn Sīnā and Ibn Tūfayl" (pp. 85-101). James Winston Morris, "Revisiting Religious Shi'ism and Early Sufism: The Fourth/Tenth Century Dialogue of 'The Sage and the Young Disciple'" (pp. 102-116). Bulbul Shah, "Al-Qāḍī al-Nu'mān and the Concept of *Bāṭin*" (pp. 117-126). Faquīr Muḥammad, "Hunzai; The Concept of Knowledge According to al-Kirmānī (d. after 411/1021)" (pp. 127-141). Shin Nomoto, "An Early Ismaili View of Other Religions: A Chapter from the *Kitāb al-Is'lāh* by Abū Ḥatīm al-Rāzī (d. ca. 322/934)" (pp. 142-156). Wilferd Madelung, "An Ismaili Interpretation of Ibn Sīnā's *Qaṣīdat al-Nafs*" (pp. 157-168). Soraya Mandi Hajjaji-Jarrah, "*Āyat al-Nūr*: A Metaphor for Where We Come From, What We Are and Where We Are Going" (pp. 169-184).

- Er-Risale (Kusayri)
- Shahrastani
- Kapani
- Mahmud al-Din Kashani
- Kubrawi
- Farabi

Part two: Medieval Islam : Peter Heath, "Reading al-Ghazālī: The Case of Psychology" (pp. 185-199). Nasrollah Pourjavady, "Stories of Ahmad al-Ghazālī 'Playing the Witness' in Tabrīz (Shams-i Tabrīzī's interest in *shāhid-bāzī*)" (pp. 200-220). Roxanne D. Marcotte, "Reason ('*aql*') and Direct Intuition (*mushāhada*) in the Works of Shihāb al-Dīn al-Suhrawardī (d. 587/1191)" (pp. 221-234). John Walbridge, "Al-Suhrawardī on Body as Extension: An Alternative to Hylomorphism from Plato to Leibniz" (pp. 235-247). Michel Chodkiewicz, "*Mi'rāj al-kalima*: de la *Risāla Qushayriyya* aux *Futūḥāt Makkiyya*" (pp. 248-261). Diana Steigerwald, "Al-Shahrastānī's Contribution to Medieval Islamic Thought" (pp. 262-273). William C. Chittick, "The Pertinence of Islamic Cosmology: Reflections on the Philosophy of Afdal al-Dīn Kashani" (pp. 274-283). Elizabeth Ross Alexandrin, "The Sciences of Intuition and the Riches of Inspiration: Najm al-Dīn Kubrā in Jāmī's *Nafahāt al-uns*" (pp. 284-297). Devin DeWeese, "Two Narratives on Najm al-Dīn Kubrā and Raḍī al-Dīn 'Alī Lālā from a Thirteenth-Century Source: Notes on a Manuscript in the Raza Library, Rampur" (pp. 298-339). Etin Anwar, "Ibn Sīnā and Meister Eckhart on Being" (pp. 340-352). Pierre Lory, "La Vision de Dieu dans l'Onirocritique Musulmane Médiévale" (pp. 353-363). Leonard Lewisohn, "The Spiritual Journey in Kubrawī Sufism" (pp. 364-379). Richard J.A. McGregor, "Notes on the Transmission of Mystical Philosophy: Ibn 'Arabī according to 'Abd al-Wahhāb al-Sha'rānī" (pp. 380-394).

- Ismailiyye
- Ahmad Hanberry
- Alalei bendiyye
- Muji
- Molla Sadra
- Fayz-i Karami
- Cincipi Baghate

Part Three: Pre-Modern Islam : Farhad Daftary, "Shāh Ṭāhir and Nizārī Ismaili Disguises" (pp. 395-406). Abdollah Vakily, "Some Notes on Shaykh Ahmad Sirhindī and the Problem of the Mystical Significance of Paradise" (pp. 407-417). Sajida S. Alvi, "The Naqshbandi Mujaddidī Sufi Order's Ascendancy in Central Asia Through the Eyes of its Masters and Disciples (1010's-1200's/1600's-1800's)" (pp. 418-431). Mohammad Ali Amir-Moezzi, "Le combattant du *ta'wīl* Un poème de Molla Sadra sur 'Ali" (Aspects de l'imamologie duodécimane IX) (pp. 432-454). Shigeru Kamada, "Fayḍ al-Kāshānī's *Walāya*: The Confluence of Shi'i Imamology and Mysticism" (pp. 455-470).

Part Four: Modern Islam : Eric Ormsby, "The Faith of Pharaoh: A Disputed Question in Islamic Theology" (pp. 471-489). Bernd Radtke, "The Eight Rules of Junayd: A General Overview of the Genesis and Development of Islamic Dervish Orders" (pp. 490-502). Shafique N. Virani, "Symphony of Gnosis: A Self-Definition of the Ismaili Ginān Tradition" (pp. 503-521). Ahmad Kazemi Moussavi, "The Attitude of the 'Ulamā' towards the Government in Nineteenth-Century Iran" (pp. 522-537). Mehdi Mohaghegh, "Traditional Philosophy in Iran with Reference to Modern Trends" (pp. 538-541). Bert G. Fragner, "Traces of Modernisation and Westernisation? Some Comparative Considerations concerning Late Bukhārān Chronicles" (pp. 542-558). R.

123 - 156

19 EYLUL 2007

Tebriz - Şems-i

دکتر مهین دخت صدیقیان *

پسوندهای پر بسامد در غزلیات شمس

نشریه
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه تبریز

زبحر بی کنار است این نواها که می گردد به موج از بی کناری

(۱) ۶/۲۶۹۳

پیشوندها و پسوندها این اجزاء ظریف زبانی، هر چند خود به تنهایی هیچ نیستند. اما آنچنان قدرتی در آنها نهفته است که می توانند پیوسته تنه، سطر و کهنسال زبان پارسی را تازه و جوان نگهدارند و معانی نو به نو به آن ببخشند. به قلم مویی ظریف می مانند که در دست نقاش چیره دست، بهترین طرحها را می آفرینند و آنها را از ابهام و راز آلودگی به صراحت و روشنی می رسانند. می توانند به تناسب اندیشه گسترش یابند و به اندازه آن ظریف و حساس شوند و نهائی تریس و دست نیافتنی ترین فکرها را ابلاغ کنند. دیدن و شناختن این ابزارها در دست هنرمندان یگانه زبان و ادب فارسی است که قدرت آنها را آشکار می کند. و افزون بر آن، امکانات زبان پر قدرت فارسی را فرا یاد ما می آورد.

۳-۴

پائیز و زمستان ۱۳۷۴
Tebriz
سال ۳۸ شماره مسلسل ۱۵۶-۱۵۷

قیمت ۱۰۰۰ ریال

* عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱- شماره دست راست، شماره غزل و شماره دست چپ، شماره جلد ساز غزلیات شمس است.

Sems-i Tebriz (181751)

Hacı Bektâş-ı Velî (080049)

165418

Makâlât

Hüyükâr Hacı Bektâş-ı Velî

Hazırlayanlar

Prof. Dr. Ali Yılmaz

Prof. Dr. Mehmet Akkuş

Dr. Ali Öztürk

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	165418
Tas. No:	297.75 HAC-M

TÜRKİYE DİYANET VAKFI YAYINLARI 367

Anadolu Halk Klasikleri Serisi: 2

Alevî-Bektâşî Klasikleri Dizisi: 2

Proje Koordinatörü

Doç. Dr. OSMAN EĞRİ

Grafik Tasarım ve Uygulama

YUSUF KOT

HATİCE KOT

Teknik Hazırlık

YAZIEVİ İLETİŞİM HİZMETLERİ

(0212) 518 30 06

Baskı ve Cilt

TÜRKİYE DİYANET VAKFI

Yayın Matbaacılık ve Ticaret İşletmesi

OSTİM Örnek Sanayi Sitesi, 1. Caddesi, 358. Sokak, No: 11, Yenimahalle, 06370 Ankara

Baskı Yeri ve Yılı

Ankara, Şubat 2007

Birinci Baskı

5.000 adet

ISBN

978-975-389-488-3

07.06.Y.0005367

©

Bütün Yayın Hakları

Türkiye Diyanet Vakfı'na aittir.

Türkiye Diyanet Vakfı Yayın Kurulu'nun 15.08.2006/31-3 sayılı kararıyla uygun görülmüş,
Mütevelli Heyeti'nin 15.08.2006/1217-13 sayılı kararıyla basılmıştır.



TÜRKİYE DİYANET VAKFI

Yayın Matbaacılık ve Ticaret İşletmesi

Tel.: 0312. 354 91 31 (pbx) Faks: 354 91 32

ŞEMSEDDİN-İ TEBRİZÎ'NİN BAZI KUR'AN AYETLERİNE GETİRDİĞİ İŞÂRÎ YORUMLAR - II

Prof. Dr. Ethem CEBECİOĞLU

Tebrizî, her sufi gibi Kur'an-ı Kerîm âyetlerini kalbine sünûh eden (doğan) manalarla yorumlamıştır. Makalâtı'nda ele aldığı âyet sayısı, tekrarlar da dahil olmak üzere ikiyüzondokuzdur. Şimdi onun işârî yorumlarında bazı âyetlerin kazandığı anlamları görelim.

1. ALLAH:

Allah kelimesi Kur'an-ı Kerim'de 2691 kere geçer¹. Yüce Yaratıcının en büyük ve en muazzam ismi².

Şimdi Şems-i Tebrizî'nin, Allah ile ilgili bazı âyetlere getirdiği yorumlara bakalım:

a) "Göklerde ve yerde olanlar, her şeyi O'ndan isterler; O, her ân kâinata tasarruf etmektedir"³ Tebrizî, Allah'ın her an kâinata olan tasarrufuna şu yorumu getirir: "O, ya arayanın (talib), ya da aranılanın (matlub) işiyle meşguldür. Bu ikisinden başka kim ne söylerse, ahmaklık etmiş olur. Öyle bir kimse, her ne kadar, kendi ahmaklığını göremezse, de, ilâhî görüşe (Nazar-ı İlahî'ye) sahip, her şeye Allah'ın nuruyla bakan erenler, hünerin ve ince görüşün ne olduğunu bilir. İlahî görüşlerden uzak kalan gözlerde ancak ahmaklık ve perde vardır. Şimdi, ey gerçek dost! Yüce Allah, senin işini başarmak ve onarmakla meşguldür. Hem görünür, hem görünmez âlemde sizinle uğraşmaktadır. Sizi hiç ihmal etmez"⁴. Bu ifadelerle bakarak, Tebrizî'ye göre Allah (c.), olgunlaşsın diye her an kuluyla meşgul olmaktadır. O, kulunu her an gözetir, kontrol altında tutar⁵, hep onun iyi olmasını ister. Tebrizî, yaptığı yorumun ışığında, kulun halinin her an değişmesinin Allah'ın tasarrufu altında gerçekleştiği kanaatinde- dir, diyebiliriz. Bunu biraz daha açarsık, kullardan nazar-ı ilahîsi açık

1. Muhammed Fuad Abdülbaki, el-Mu'cemul-Müfehres, ss. 66-75.

2. Uludağ, Süleyman, Tasavvuf Terimleri Sözlüğü, İstanbul 1991, s. 42.

3. Rahman/29

4. Makalat, c.I., 15: 63.

5. Nisa/1: Ahzâb/52.

Ankara Üniversitesi
İLÂHİYAT FAKÜLTESİ DERGİSİ,
cilt: XLI, Ankara-2000,
s. 43-65. D.001

- İbn Hişam es-Sirettü'n-Nebeviyye, Mısır, 1375/1955.
 İbn Kesir, Ebu'l-Fida, İsmail, Tefsiru'l-Kur'ani'l-Azim, 1388/1969.
 İbn Kudâme, El-Muğnî, Riyad, (t.y.)
 İbn Kuteybe, Tefsiru Garîbi'l-Kur'an, Beyrut, 1398/1978.
 İbn Mace, Ebu Abdillâh Muhammed b. Yezîd el-Kazvinî, Sünen, Mısır, 1373/1953.
 İbnu'l-Cevzî, Ebu'l-Ferec Abdurrahman, Zadü'l-Mesîr fi İlmi't-Tefsîr, 1384/1965.
 Kâsânî, Alâu'd-Dîn, Bedaiu's-Sanayi' fi Tertîbi's-Şerâi', Beyrut 1402/1982.
 Keskiöğlu Osman, Kur'an-ı Kerim ve Başka Dillere Çevrilmesi Konusunda Açıklamalar, Diyanet İşleri Bşk. İği, Meâlî.
 Keskiöğlu Osman, Kur'an Tercümesi Hakkında İki Fakihın Yazdıkları, (A.Ü. İ.F. Dergisi, 1960, VIII).
 Mennâu'l-Kattân, Mebahis fi Ulûmi'l-Kur'an, Riyad, 1401/1981
 Merağî, Muhammed Mustafa, Bahsun fi Tercemeti'l-Kur'ani'l-Kerim ve Aksamiha, Beyrut, 1401/1981.
 Mevdûdî, Ebu'l-Â'lâ, Tefhimü'l-Kur'an, İstanbul, 1986.
 Muhammed İzzet Derveze, et Tefsîrû'l-Hâdis, Mısır, 1383/1963.
 Müslim b. Haccâc el-Kuşeyrî, el-Camiu's-Sahîh, Mısır, 1374/1955.
 Nesâî, Ebu Abdurrahman b. Şuayb, Sünenü'n-Nesâî, Mısır, 1383/1964.
 Nevevî, Ebu Zekeriya Yahya b. Şeref, el-Mecmû', Daru'l-Fikr (t.y.)
 Okîç Muhammed Tayyib, Hadiste Tercüman, (İ. Fak. Dergisi, XIV, 1966).
 Rağîb el-İsfahânî, el-Müfredât fi Garîbi'l-Kur'an, İstanbul, 1986.
 Razi, Fahrüddin Muhammed, Mefatihü'l-Gayb, İstanbul, 1308.
 Sâbûnî, Muhammed Ali, et-Tibyan fi Ulûmi'l-Kur'an, (t.y.)
 Serahsî, Şemsu'l-Eimme Muhammed, el-Mebsût, İstanbul, 1403/1983.
 Subhi Salih, Mebahis fi Ulûmi'l-Kur'an, Beyrut, 1965.
 Suyûfî, el-İtkan fi Ulûmi'l-Kur'an, 1306.
 Şevkânî, Muhammed b. Ali, b. Muhammed, Fethu'l-Kadir, Beyrut, 1403/1983.
 Şeyhu'l-İslam Mustafa Sabri Efendi, Mes'ele'tü Tercemeti'l-Kur'an, Kahire, 1351.
 Taberî, Ebu Cafer Muhammed b. Cerir, Camiu'l-Beyan fi Tefsiri'l-Kur'an, Mısır, 1323.
 Tirmizî, Ebu İsa Muhammed b. İsa, el-Camiu's-Sahîh (Sünenü't-Tirmizî), Mısır, 1385/1965.
 Toshihiko Izutsu, Kur'an'da Allah ve İnsan, (Çev. Süleyman Ateş) Ankara, 1975.
 Zamaşeri, Ebu'l-Kasım Carullah Muhammed, b. Ömer, el-Keşşâf an Hakaik't-Tenzil ve Uyûni'l-ekavil fi Vücûhi't-Te'vîl, 1397/1977.
 Zehebî, Muhammed Hüseyin, et-Tefsir ve'l-Müfessirûn, 1396/1976.
 Zerkânî, Muhammed Abdu'l-Azîm, Menahilü'l-İrfan fi Ulûmi'l-Kur'an, Mısır (t.y.)
 Zerküşî, Bedrüddin Muhammed b. Abdillâh, el-Burhan fi Ulûmi'l-Kur'an, Beyrut, 1391/1973.
 Zuhaylî, Vehbe, et-Tefsirul-Münîr, Beyrut, 1411/1991.

15 MART 2002

ŞEMSEDDİN-İ TEBRİZÎ'NİN KUR'ÂN-I KERİM AYETLERİNE GETİRDİĞİ BAZI İŞARİ YORUMLAR (I)

Doç. Dr. Ethem CEBECİOĞLU

Bu makalemizde, Mevlânâ Celâleddin-i Rumî'nin maneviyat üstâdı. Şemseddin-i Tebrizî'nin Kur'ân-ı Kerim âyetlerine getirdiği, işarî ve ilginç bazı yorumları ele alacağız.

A- ŞEMSEDDİN-İ TEBRİZÎ'NİN HAYATI VE KİŞİLİĞİ

Kaynaklara göre doğum tarihi belli olmamakla birlikte, miladî onikinci asrın ikinci yarısında dünyaya geldiğini söyleyebiliriz. Tam adı Melikdad oğlu Ali oğlu Muhammed Şemseddin-i Tebrizî'dir¹. Devletşahın onu bir İsmailî olarak takdim etmesi ve babasının Celaleddin Nev-Moselman olduğunu kaydetmesi, Gölpınarlı'nın da dediği gibi tamamen yanlıştır. Zira Celâleddin Nev-Moselman'ın, Alaeddin adlı oğlundan başka bir oğlu yoktur.² Şemseddin Tebrizî'nin baştan sonra tedkik ettiğimiz "Makâlât"ında, İsmailîliği öven bir tek satıra rastlamayışımız, onun heterodoks bir yapılanma içinde olmadığını en büyük delilidir, deriz. Aksine olarak, onun bu eserinde İsmailîleri eleştiren bazı ifadelerin bulunuşu, bu tezimizi te'yîd eder. Bu noktada, Ahmat Kabaklı'nın "veya" kaydıyla Celaleddin Nev-Moselman'ı onun babası olarak göstermesini³ yukarıdaki mülâhazalarımız nedeniyle doğru bulmuyoruz.

Şemseddin-i Tebrizî, rivayetlere göre, Azerî Türklerindendi⁴. Fűrüzanfer'in, Şemseddin-i Tebrizî'nin doğum tarihini, Mevlânâ ile buluşma tarihinde (642/1245) altmış yaşında olduğunu söyleyerek, 582/1186 şeklinde tesbit etmesi⁵, bizce ihtiyatla karşılanması gereken bir husustur.

1. Mevlada Celaleddin, Divan-ı Kebîr, c.I., Eskişehir 1992, Haz. Abdülbaki Gölpınarlı'nın "Sunuş"u, s. XLII.
2. Fűrüzanfer, B. Mevlana Celaleddin, çev.: Feridun Nafiz Uzluç, ss.162-3.
3. Kabaklı, Ahmet, Mevlânâ, İstanbul 1972, s.37.
4. Önder, Mehmet, Mevlânâ Celâleddin-i Rumî, Ankara 1986, s.48.
5. Fűrüzanfer, a.g.e., s.163.

insofar as it is the first entification from the Divine Level, is the locus of manifestation for all of the Names, one of which is the All-Merciful. As a locus for the name the All-Merciful, the spiritual Throne or the Muḥammadan Reality establishes itself on the bodily Throne so that mercy may be distributed throughout the cosmos. This point is clarified in one more passage where Qayṣarī states the following:

And if you want, you can say that, through the reality of the Throne, this permeating [of mercy] exists in the world. And it is the fixed entity through which the All-Merciful (*al-Raḥmān*) is manifest in the world, just as He is manifest through the First Intellect in the world of spirits and through the outermost sphere in the world of bodies.³⁹

With the foregoing discussion in mind it becomes clear how Dāwūd al-Qayṣarī was able to explain Ibn 'Arabī's opening statement in this chapter of the *Fuṣūṣ al-ḥikam*. It will be recalled that Ibn 'Arabī said that the matter began and ended with the Prophet, drawing upon a very well-known *ḥadīth* in which the Prophet is reported to have said that he was a Prophet when Adam was still between clay and water. By placing the Muḥammadan Reality, which is the locus of manifestation for the Name the All-Merciful on the bodily Throne, Qayṣarī was able to explicate both how the Muḥammadan Reality is the first entification from the level of Divinity and how it is also responsible for distributing God's mercy throughout the cosmos.

Journal of the Muhyiddin Ibn Arabi Society,
vol. 38, Oxford 2005, s. 65-89.

29 AGU 2006

D. 1380

38. Qayṣarī, *Sharḥ*, p. 484:2.

39. *Ibid.*, p. 485:1.

The 'Sun of Religion' Meets Its 'Reviver'?

A Review-Article of *Me and Rumi: The Autobiography of Shams-i Tabrizi**

Jereer El-Moor

William Chittick's latest scholarly achievement is a large volume of translated Persian discourses (*maqālāt*) ascribed to Shams al-Dīn Muḥammad b. 'Alī al-Tabrīzī (d. 645/1247), the bizarre, mysterious wandering dervish who became the spiritual Sun (*shams*) of the mystic and artistic life of the great Ṣūfī love-poet, Jalāl al-Dīn al-Rūmī (d. 672/1273).¹ Chittick's new book and the 1990 completion of Moḥammad-'Alī Movahhed's edition of the *Maqālāt-i Shams-i Tabrīzī*,² upon which it is based, meet a longstanding need to finally supply Western scholarship with the requisite materials to begin to put together an informed understanding of the character of this truly seminal figure of Ṣūfī history and legend. For readers of the present journal the main interest of *Me and Rumi* will perhaps be the fact that before Shams al-Dīn of Tabrīz made contact with his beloved young protégé in Konya he had known and consorted with Muḥyī l-Dīn Ibn al-'Arabī in Damascus, evidently for quite some time. As this reviewer is not really qualified to critique a study of Persian literature, we will confine our attention herein largely to the very interesting questions: What was the nature of Shams-i Tabrīzī's relationship to Ibn al-'Arabī? What did they have in common and how were they different? And, finally, may there not be more evidence of

* An abridged version of this article was read at the Muhyiddin Ibn 'Arabī Society symposium on "Time and Non-Time" at Columbia University, New York City, on 15 October 2005.

1. *Me and Rumi: The Autobiography of Shams-i Tabrizi* [*Maqālāt-i Shams-i Tabrīzī*] (Louisville, KY: Fons Vitae, 2004). Xxv + 409 pages.

2. Teheran: Intishārāt-i Khwārazmī, 2 vols. in one, 1369 s.h./1990. The first volume had appeared in 1977.

91341

گزیده غزلیات شمس

(قرن هفتم هجری)

سروده

مولانا جلال الدین محمد بلخی

(۶۰۴-۵۶۷۲ ق)

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	91341
Tas. No:	

با مقدمه و شرح لغات و ترکیبات و فهارس

به کوشش

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

Mehmet Karah
Kütüphanesi
Serigözü

23.11.1982

محمد رضا شفیعی کدکنی



تهران، ۱۳۶۰

مقالات علامه قزوینی

جلد اول

گردآورنده
عبدالکریم جریزه دار



انتشارات اساطیر

۱۸

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi İzmir Şubesi	
Kayıt No. :	8742-1
Tasnif No. :	8915 CEZ-1

Shams-i Kays-i Razi

08 MAYIS 1991

بها ۵۰۰ ریال

این کتاب نفیس مشتمل است بر سه فن از فنون ادب: علم عروض، و علم قوافی و علم نقد الشعر، و بجزأت میتوان ادعاء نمود که از ابتدای تدوین علوم بزبان پارسی بعد از اسلام در عهد سامانیه تا کنون که هزار و سیصد و اند سال از هجرت میگذرد هیچ کتابی مطلقاً و بدون استثناء بدین کمال و تحقیق و تنقیح و جامعیت و اشباع در این فنون ثلاثه بزبان پارسی تألیف نشده یا اگر هم شده بدست ما نرسیده است.

شک نیست که فضیلت ایران را قبل از این کتاب در فنون نقد الشعر و عروض و قوافی تألیفات بسیار بوده است چنانکه جسته جسته نام بعضی از آنها در پاره از کتب ادبیه یافت میشود. چون ابوالحسن علی بن جلولوغ السجزی الفرخی المتوفی سنه ۴۲۹ شاعر معروف معاصر سلطان محمود غزنوی و پسرش سلطان مسعود مؤلف کتاب ترجمان البلاغه در علم شعر و صنایع بدیعه آن که دولتشاه سمرقندی در تذکره الشعراء و حاجی خلیفه در کشف الظنون بدو نسبت داده اند و دولتشاه يك فقره نیز از آن نقل نموده است^۱ و محتمل است که کتاب ترجمان البلاغه که رشید طواط در مقدمه حقائق السحر بدان اشارت میکند بدون ذکر نام مصنف، مراد همین کتاب فرخی باشد.

و چون ابوسومحمد عبدالله بن محمد الرشیدی السمرقندی شاعر معروف معاصر سلطان ملکشاه سلجوقی مؤلف کتاب زینت نامه در علم شعر که نورالدین محمد عوفی در تذکره لباب الالباب و حاجی

۱- تذکره الشعراء دولتشاه سمرقندی طبع پرفسورادوارد برون ص ۵۷/۹

و کشف الظنون باب الناء.

المعجم فی معاییر اشعار العجم

و

شمس الدین محمد بن قیس الرازی

یکی از نفایس و نوادر کتب ادبیه بزبان پارسی که در اوایل قرن هفتم هجری تألیف شده و از حسن اتفاق از طوفان عالم گیر و آتش جهان سوز فتنه مغول سالم مانده و بدست ما رسیده است این کتاب حاضر یعنی کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم است تألیف فاضل محقق علامه شمس الدین محمد بن قیس الرازی که اینک بحسن اهتمام و مساعی جناب مستطاب علامه تحریر مستشرق شهیر استاد اجل ادوارد برون مدظله العالی معلم السنه شرقیه در دارالفنون کمبریج از ممالک انگلستان و بتصحیح این ضعیف و بنفقه «اوقاف کتب» احیا شده بحلیه طبع آراسته گردید و در محل دسترس خاص و عام واقع گشت.

181 751

İSAM
191736

Şems-i Tebrîz

NEFES
yayınları

Şems: Güneşle Aydınlananlar (Enlightened By The Sun)

ISBN: 978-605-5902-13-1

Kitap yayın no: 16

İstanbul, 2010

Derleyen: *Türkkad İstanbul Yayın Kurulu*

Yayın Kurulu: *Cemâlnur Sargut, Nazlı Kayaban, Neşe Taş, Aylin Atikler Yurdacan*

Türkçe Redaksiyon: *Gülten Kayan*

İngilizce Redaksiyon: *Aylin Atikler Yurdacan, Nazlı Kayaban*

Kapak Tasarımı: *Hümanur Bağlı*

Kitap Tasarım: *Adem Şenel*

Kapak & İç baskı: *Pasifik Ofset. Tel: 0 212 612 31 85*

Cilt: *Pasifik Ofset Tel: 0 212 612 31 85*

Nefes Yayınları;

Bağdat Cad. Güzel Sk. Bilkan Apt.

A Blok no:11/2 Selâmiçeşme, İstanbul

Tel: (216) 359 1020 **Faks:** (216) 359 4092

MADDE YAYINLARI
SÖZLÜK YAYINLARI